



پیام کارگر

شماره ۱۲

بهامعدل ۲۰ ریال

ارگان کمیته خارج زکشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال اول نیمه دوم دیماه ۱۳۶۵

اعلامیه کمیته مرکزی

در صفحه ۲

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

بمناسبت شهادت رفیق پروین گلی آبکناری

پیروزی پناهندگان فضاحت امپریالیسم و فقها

۱۵ پناهنده ای که از فرانسه اخراج و به گابن تبعید شده بودند، در ۱۴ ژانویه به اروپا بازگردانده شدند. بعد از بازگشت پیروزمندان آنها به فرانسه و اسپانیا، دولت دست راستی شیراک اعلام کرد که لغو تصمیم قبلی دولت فرانسه بدلائل انسانی (!) انجام گرفته است.

اخراج پناهندگان از فرانسه جزئی از معامله رسوای دولت شیراک و رژیم فقها بود که آزادی وحید گرجی در مقابل آزادی گروگانها در لبنان و معامله تسلیحاتی و... اجزای دیگر آن بوده اند.

ابعدا دفعه با رایین معامله بر است... چندش آور آنچنان وضوح و صراحت داشت که افکار عمومی دموکراتیک فرانسویان را علیه خودبیر - انگیزت، بخصوص آن دسته از فرانسویها که نسبت به حقوق دموکراتیک در فرانسه حساسند، متجاوزانه حقوق پناهندگی را حمله ای به حقوق دموکراتیک عمومی در آن کشور تلقی کرده و واکنش نشان دادند. از سوی دیگر این عمل دست راستیهای فرانسه باعث فعال شدن جناح رقیب آنها در آنکشور برای بهره برداری از این ماجرا، خصوصا با درپیش بودن انتخابات ریاست جمهوری در بهار آینده، گردید. جناح رئیس جمهور، میتران، که خود سابقه اقدامات مشابهی با فقها دارد در این مورد بیعت با اختلاف موضع و همتراز همه بهره برداری برای انتخابات آینده، رئیس جمهوری، دولت شیراک را بقیه در صفحه ۲

عصرفتواها و اوج بحرانها

فتوای صریح، بی سابقه و بی درپیشی از جانب خمینی در مورد حدود قدرت حکومت اسلامی مشخصا ملی جنگ جناحهای حکومتی در دوره کنونی حیات رژیم فقهاست که در رقم زدن آینده آن نیز نقش کلیدی دارد. چنین وضعی ناشی از چیست و عواقب این اقدامات چگونه خواهد بود؟

اگر بخوایم واقفیت ما چرا دریا بیم، نمی توانیم بدون مقدمه از خودفتواها، شروع کنیم. چرا که این فتواها خود نقطه عطفی در یک کشمکش دامنه دار و جدی است که مولاحیات متناقض حکومت فقها را خلعت بندی می کند. یعنی همان جنگ معسروف بین جناح بورژوازی سنتی با زار، که تحت لوای فقه سنتی بخشی از طرفداران ولایت فقیه را تشکیل می دهد و کل بخش خصوصی سرما به داری را نمایندگی میکند، با جناح ملی حکومتگر که ظالم دولتست. کردن امور محدودیت بخش خصوصی سرما به داری است. این جنگ که به عمق یابی بحران و با شدت گیری مبرزه طبقاتی در جامعه، حدت می آید، در یکسال اخیر کیفیت تازه ای یافته است.

چنانکه بخاطر درایم رفسنجانی و دارودسته او، مداماً ژان بست قانونگذار ری" یا دمی کردند و صریحا از خمینی درخواست دخالت مستقیم داشتند که نهایتا دارای ایجاد نوعی تعادل در تابستان گذشته "اجلاس سران سه قوه" بعنوان یک مکاتیبم حل اختلاف پدید آمد که بیعت عمق بحران کارگشا بقیه در صفحه ۹

نیما، معمار بزرگ شعر معاصر

در صفحه ۴

مصاحبه
"پیام کارگر"
با ماموستا شیخ عزالدین
حسینی در صفحه ۱۰
قسمت دوم

زندگی و مبارزات پناهندگان
در صفحه ۱۲

نظری به گرد همائی

بیست و هشتمین سالگرد تاسیس
کنفدراسیون

بمناسبت بزرگداشت بیست و هشتمین سالگرد تاسیس کنفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور سمیناری بمدت پنج روز از دوم تا ششم ژانویه در محل سابق این سازمان در شهر فرانکفورت برگزار شد. روزهای نخست این گردهمایی شاهد حضور تعداد زیادی از کارکنان سابق کنفدراسیون فعالین وابسته به گروههای سیاسی ایرانی، علاقمندان به جنبش دموکراتیک خارج از کشور بودند. این سمینار بعد از ۲۵ روز پس از تشکیل سخنرانی متجاوزانه ۱۰۰ سخنران پایان یافت ولی موفق نشد حاصل کار خود را جمع بندی ارائه کند. و این حد اقل انتظار را برای شرکت کنندگان برآورده سازد که هنگام ترک سمینار با خود چند طرح و ایده روشن همراه ببرد. آنچه ما از این سمینار بیجا ماند، جز آشفته فکری نبود. حاصل چند بحث مشخص دربار جنبه آلترناتیو و فعالیت دموکراتیک در خارج از کشور که از سوی برخی افراد ارائه شد در میان انبوهی از داستانها، خاطرات و روایت های مربوط به عهد بوق و تلی از بحث های بی ارتباط با هم همگور شد. آیا این نتیجه برای برنامه، با این همه آب و بقیه در صفحه ۸

ستون آزاد
بمناسبت
اعلام موجودیت انجمن فرهنگی
آذربایجان در آلمان فدرال
در صفحه ۵

برای سمینار آخن آماده شویم
در صفحه ۳

پیروزی پناهندگان فضاحت امپریالیسم و فقه

تحت فشار رقرا داد. معا مله با تروریسم وی آبرو شدن دستگا ه فضا ئی فرانسه و تفییق حقوق دمکراتیک پناهندگان زمینهای بود که بهترین فرصت را برای درفشار رقرا دادن رقیب فرا هم می آورد. همچنین برخوردی که نه و صریح دولت شیراک که بسودن هما هنگی و در نظر گرفتن منافع عمومی جنا جهای مختلف امپریالیسم جهانی صورت گرفت، باعث اعتراض انگلیس و آمریکا شینا نیز گردید. روی هم رفته چه در فرا نسه و چه در دیگر کشورها زمینیه یک برخورد جدی با این سیاست دولت دست راستی فرانسه بوجود آمد.

اما آنچه که باعث شد تا این نیروی بالقوه به فعل درآید و در یک فاصله نسبتا کوتاه دولتی فرانسه را وادار به عقب نشینی و لغو تصمیم قبلی نماید، همانا مقاومت و جنبش اعتراضی پناهندگان بود. اگر مقاومت و تلاش خستگی ناپذیر پناهندگان و اعتماد غذای نیروهای سازمان مجاهدین و حاکمان آنها نبود، مخالفت افکار عمومی و درگیری های داخلی حکومت فرانسه به عقب نشینی شیراک نمی انجامید، بلکه تا شیر خود را مثل دوزمسان انتخاب تا آینده ریاست جمهوری آشکارا میکرد. اما اعتماد به غذای طولانی و جنبش گسترده اعتراضی علیه این عمل که کشورهای اروپائی و آمریکا را فسرار گرفت باعث شد تا حضرات بدما مثل انسانی بیافتند و آقای "پاسکوا" قدره بندی که در سمت وزیر کشور فرانسه تا آخرین لحظات دم زبرگشت ناپذیر بودن تصمیم خراج پناهندگان برای تامین منافع فرانسه میزد و هر شب بر صفحه تلویزیون ظاهر شده و "هل من مبارز" می طلبید، تا مین امنیت فرانسه و منافع آن کشور را از یاد ببرد. آنچه که افکار عمومی و حرکات اعتراضی مردم مکررات فرانسه و دیگر کشورها را بسیج نمود و با بهره گیری از تضادهای موجود بین جناجهای مختلف حکومتی فرانسه زمینه همه اقدامات را فراهم نمود، تا جا شیکه همسور میتران و با بقول روزنا مملوموند "ما دام مسیو میتران" بیدار را اعتماد بیون برود، همانا مقاومت و جنبش اعتراضی پناهندگان بود. و این پیروزی یکبار دیگر نشان داد که میتوان و با یداز حقیق دمکراتیک مهاجرین و پناهندگان قاطعانه دفاع نمود.

تا شیر با زگشت پناهندگان به اروپا فقط به حوزه رابطه دولتهای اروپائی با پناهندگان ایزائی و با موضع عمومی آنها در مورد پناهندگان و مهاجرین محدود نموده بلکه متوجه توطئه ها و تهدیدات دائمی رژیم فقه در این باره نیز بوده است. این حرکت بروشنی نشان داد که میتوان با تمام نقشه ها و توطئه های حکومت اسلامی جهت اعمال فشار و محدودیت بر پناهندگان سیاسی ایران در بقیه در صفحه ۹



اعلامیه کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

بمناسبت شهادت رفیق پروین گلی آبکناری

طبق اخبار رسیده، رفیق پروین گلی آبکناری از اعضای سازمان ما در پانزدهم آذرماه ۱۳۶۶ در زندان اوین شهادت رسیده است.

رفیق پروین در او خرتیرماه ۱۳۶۱ به همراه همسرش رفیق شهید مهرا ن شهاب الدین و برادر همسرش شهید روزبه گلی آبکناری به اسارت جلادان رژیم اسلامی درآمد و پس از مقاومت قهرمانانه و تحمل شکنجه های وحشیانه مزدوران اسلامی به حبس ابد محکوم گردید و دوران اسارتش را در سیاهل اول اوین می گذراند. رفیق پروین روز قبل از شهادتش به زیر شکنجه های قرون وسطائی برده شده بود و فردای آن روز به اعتراض به فشارهای شدید و اعمال ضد انسانی این جانبا ن رسوا دست به خودکشی زد و در شش ماهات خود را گسست و طبق روایت دیگری جلادان اسلامی پس از اعمال شکنجه های وحشیانه قرون وسطائی او را زیر شکنجه به شهادت رسانده اند.

شهادت مظلومانه رفیق پروین بیانگر عمق کینه و نفرت و نسبت به رژیم فدیشری جمهوری اسلامی است، که وحشیانه ترین شکنجه ها را بر زندانیان سیاسی اعمال می کند تا شایسته بدستوا ندر وحیه مقالم این فرزندان دلاور خلق را درهم بشکنند و آنها را به پشت پا زدن به آرمان والای شان وادارند، اما هر با رتلاش های مذبحخانه جلادان با سدا ستوارا راه پولادین این عزیزان روبرو می شود. زیرا آنها که در مکتب مبارزه انقلابی تربیت شده اند و به بعد از رجوعیت این رژیم ضد انقلابی پی برده اند و بی عشق به توده ها عجب شده اند، هیچگاه از راه رهایی کارگران و زحمتکشان روی بر نمی گردانند و رزم یورشوران را با ایمان و اعتقاد عمیق تر به پیش می برند تا کارگران و زحمتکشان را با آزادی راجش بگیرند.

ما شهادت رفیق پروین گلی آبکناری را به خاندان او گرامی می و به تمام رفقا و همرزمانش تسلیت می گوئیم و با هموار راه لها مبخش ما خواهد بود.

مردم آزاده ایران!
ما زمانها و نیروهای انقلابی و مترقی!

وحشیگری های رژیم اسلامی در زندانها، انواع و اقسام شکنجه های جسمی و روحی و فشارهای شدید خدنا نسانی بر زندانیان سیاسی و اعدا مهای جنایتکارانه، شرایط طاقت فرسائی را بر زندانها حاکم کرده است و از طرف دیگر مقاومت قهرمانانه زندانیان سیاسی باعث شده بر بعد درنده خوئی رژیم اسلامی افزوده شود. در چنین شرایط حساسی ضرورت مبارزه متحد برای لغو شکنجه و اعدا آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی بیش از پیش احساس می شود. سازمان ما از شما می سازمانها، گروهها و نیروهای ترقیخواه و انقلابی دعوت می کند در راه پیشبرد این مبارزه بیباک خیزیم.

علیه اعدا مو شکنجه و برای آزادی زندانیان سیاسی بیباک خیزیم!
سرنگون با جمهوری اسلامی برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق!
کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

دهم دی ماه ۱۳۶۶



آخرین نامه رفیق پروین گلی آبکناری

شماره ما در همسر تاریخ ۶۶/۴/۶۶ میخواست روزی این سعادت نصیب می شد که ذره ای از صحبت های شما و خانواده عزیزم را با سخ گوینا شم جان قربانتان کردم سلام صورت با صفا یتان را که گویای قلب مهربان و صبورتان است می بوسم و برای همگی شما عزیزا ش سلام دارم غنچه های گلیم شهریا رومیران را بسیار دوست دارم خوشا که کم نزد داداش رجیبی هستید و میتوا نید برای شهریارو مهران کوچولوا ز عمو جان نشان صحبت کنید برای شان از خوبیها و آرزوهای آلهای عزیزم شکرمان بگوئید میدانم که بچه ها نیز در دمان پرمهرتان ما ننسند عمویشان انسا نهای بزرگ و والائی خواهد شد دلدم

همانطور که نامه هایم بدستان نمی رسد تنها امیدم که نامه های شما بودند نیز قطع شده سعی می کنم روزهای یکنواخت زندگی ام را با یاد گذشتہ خوب اما کوتاهم پر نما یم.
با امید فراداهای بهتر و روشن تر برایتان قربان شما دخترتان پروین
آدرس فرستنده:
زندان اوین ساختمان ۳۲۵ بند ۲ زنان اطاق ۷
(با سخ پشت صفحه نوشته شود)
۶۲/۲۶۱-ن

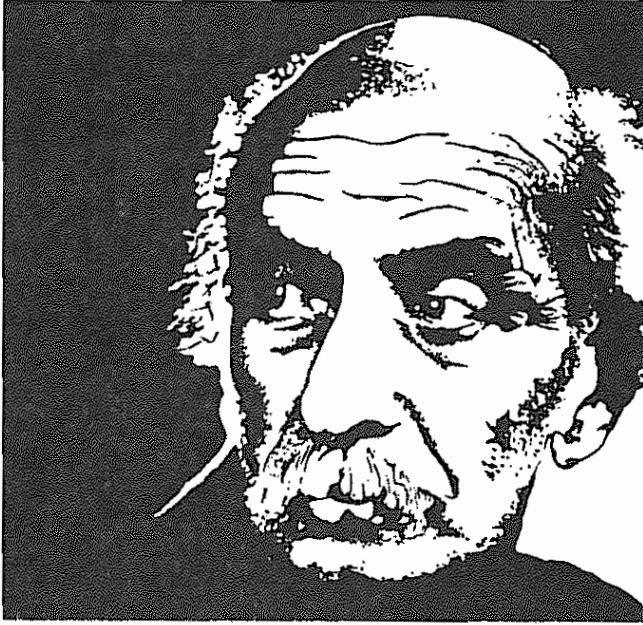
برای سمینار آخن آماده شویم

در نتیجه بحث‌ها می‌توان گفت که تاکنون میان نمایندگان و فعالان کانون‌های پناهنده‌گی، بخصوص در جریان سمینار سراسری شهر دارمشتات در آلمان غربی صورت گرفت، توافق‌هایی بر سر تعریف از پناهنده‌سیاسی و ضرورت دفاع از حقوق اجتماعی - انسانی کلیه پناهنده‌گان در منظر انحرافات فکری انسان بدست آمد، که این در حد خود درجه‌ای از رشد تفکر دموکراتیک را نمایان می‌سازد. اما در زمینه مباحثی مشترک یک فعالیت دموکراتیک و دست‌یافتن به یک پلاتفرم دموکراتیک بحث در مراحل مقدماتی خود قرار دارد، با این حال در این زمینه نیز دموکراتیک‌ها از یکدیگر تفکیک شده‌اند. گرایشی که در مرز بندی سیاسی برای هویت دادن به یک تشکل دموکراتیک را فراتر از زلفی رژیم‌خیمینی و رژیم سرکوبگر شاه می‌برد و پای جریانات و احزاب سیاسی دیگر را به میان می‌کشد و گرایشی دیگر که دوش شرط نخست را برای منشور چنین تشکلی کافی میدانند و معتقد است ما ده بعدی خواهد بود و تشکل را وارد عرصه ایدئولوژیک خواهد کرد و هویت دموکراتیک آن را نقض می‌کند. یک چنین ماده‌ای مرز این تشکل را با تشکل حزبی در هم خواهد ریخت و آن را وارد مرز کشی‌های حزبی خواهد ساخت. لذا این یک گرایش سکتاریستی و محدودکننده است.

سومین سمینار کانون‌ها که در شهر آخن برگزار خواهد شد با بدین بحث‌ها جلوتر برود و جوانب مختلف یک تشکیلات و فعالیت دموکراتیک را روشن کند. روشن شدن مباحثی یک تشکل دموکراتیک و داشتن یک جمع‌بندی صحیح و همه‌جانبه از فعالیت تاکنونی کانون‌ها برای حرکت به سمت برپا شدن تشکیلات سراسری ضروری است. در واقع تعمیق بحث سمینار دارمشتات از طرح این سوال آغاز خواهد شد که تشکل‌های موجود برای ریشه‌اندودن در میان توده‌های پناهنده‌ها اساسا با کدام انحرافات یا بددگرگونی‌ها؟ زیرا این سوال اولناظر بر ایستادن واقعیت است که تشکل‌های موجود قادر به در میان پناهنده‌گان هستند و به این واقعیت با تصریح داد و بوسرس آن به توافق رسید. ثانیا، اکنون که قصد ایجاد یک تشکیلات سراسری در بین است ضرورت مبارزه با علل این بی‌ریشگی بشکل مفاعلی مطرح است. چرا که در فقدان پایه‌گسترده توده‌ای، ایجاد تشکیلات سراسری با تشدید بوروکراتیسم همراه است.

ما در بررسی وضعیت موجود کانون‌ها و تلاش‌هایی که مصروف برپا کردن یک تشکیلات سراسری میشود، گفته‌ایم تلاش برای ایجاد چنین تشکیلاتی باید با مبارزه علیه گرایش‌های انحرافی در تشکل‌ها، بخصوص با سکتاریسم به عنوان انحراف اصلی همراه شود، به بیان بهتر با یادگرفت اصلاح خط مشی و رفع موانع سکتاریستی موجود، نه فقط راه‌گسترش پایه تشکل‌های موجود را خواهد گشود بلکه ضرورت تشکیل یک سازمان سراسری را مطرح خواهد نمود، تنها بدین طریق است که تمایلات اصولی برای ایجاد یک تشکیلات سراسری از گرایش‌های بوروکراتیک که اهدافی بغیر از زمانه‌ی پناهنده‌گان و مبارزه برای حقوق آن‌ها را مد نظر دارند از یکدیگر جدا خواهد شد. جنبه‌های اصلی گروه‌مداری کدام است؟ یکی از جلوه‌های بارز این گرایش محدودکننده در منشور این تشکل‌ها خود را نشان میدهد، چنانکه میدانیم منشور هر تشکل معرف هویت آن است و اهداف اساسی تشکل را بیان می‌کند. گرایش مذکور در این عرصه با فراتر رفتن از دو معیار اساسی سیاسی یعنی نفی رژیم‌شاه و رژیم‌خیمینی مشخص می‌شود. در شرایط جامعه ما اهداف عام هر تشکل دموکراتیکی تنها میتواند به رسمیت شناختن انقلاب ۵۷ و سپس مخالفت با رژیم اسلامی به مثابه دشمن اصلی دموکراسی در کشور - مشخص گردد. هر معیار دیگری جز این ضرورتا پای احزاب مختلف را وارد سبزه بندی‌های تشکل دموکراتیک خواهد کرد و اهداف و وظائف تشکل را مخدوش خواهد ساخت. بدین‌گونه ناظر بر عدم همگامی با جریانات و احزاب سیاسی میشود، علاوه بر اینکه محدودکننده است، با مختصات سازمانی یک تشکیلات دموکراتیک

بدلائل مذکور، سیاست عملی کانون‌ها به جهت انحرافی دیگری که ما آنرا آکسیون‌یسم نامیده‌ایم متماثل میشود. حذف یا تضعیف شعارهای مربوط به نیروهای که پایه اصلی یک تشکل دموکراتیک را تشکیل میدهند، سیاست عملی را تابع شعارهای مقطعی - وموردی می‌سازد، و روش کار مسترو پیگیری طبق برنامه از دور خارج میکند. البته این مبحث بطور مجرد برای سمیناری که در پیش داریم چندان ضروری و عاجل نیست. ولی بعنوان یکی از وجوه انحرافی که ریشه در سکتاریسم دارد و از جمله موانع بازتوده‌ای شدن تشکل‌ها میباشد در کنار مبحث اصلی یعنی تحلیل وضعیت کنونی تشکل‌ها و بررسی علل آن دارای اهمیت است. این مبحث تاکنون به شکل بازگونی‌های درمفاهمی چون خواست‌های صنفی و خواست‌های سیاسی، یا تشکیلات صنفی و سیاسی مورد گفتگو قرار گرفته است. در واقع طرفداران این یا آن تعریف بکمک این مفاهم شیوه فعالیت مورد نظر خود را دنبال می‌کنند. حال آنکه بحث در مورد شیوه‌کار توده‌ای را بطنه مستقیمی با تعریفی که ما از خصلت صنفی سیاسی یک تشکل توده‌ای می‌کنیم ندارد. معمولا دیده میشود گرایشی که کار توده‌ای را (کار توده‌ای در برابر فعالیت آکسیونی مورد نظر است) مبنای فعالیت خود بقیه در صفحه ۹



بمناسبت بیست و هشتمین سالگرد درگذشت نیما

نیما، معمار بزرگ شعر معاصر

در آستانه سالمرگ نیما فرا ردا ریم، مردی که شعر پربار معاصر را پی ریخت، کارا و اگر چه تداوم منطقی تحولی بود که از او نشل مشروطیت شروع شده بوده است، اما نیما این تحول کمی را توانست به یک کیفیت تازه ارتقا دهد. در اینجا ما قصد آنرا نداریم که به وجوه متنوع کار نیما بپردازیم، چرا که این کاربرد وظیفه و امکانات محدود این صفحه نیست. و تاکنون دیگران از زوایای مختلف - و البته با اقتت و خیزهای - این کار را دنبال کرده اند. در اینجا ما تنها به یکی از شاخص‌های این تحول اشاره‌ای خواهیم کرد. کار عظیم نیما در پاسخ به چه ضرورتی صورت گرفت و چرا کوشید از نظر زیبایی‌شناسی، موازین تازه‌ای را ارائه کند؟

ساختن شعر قبل از نیما در کلیت خود و صرف نظر از استثنائات در خلاصه‌ترین کلام دارای یک نواختی هارمونی درونی در شعر، یکنواختی در وزن، واژه‌ها و ترکیبات قرار دادی و تکراری، خیال - پردازی‌های عرفانی و تصویرسازی‌های ذهنی... بود و در مجموعه خود از ایستایی ویژه‌ای برخوردار بود که تنها با دنیای کم‌تحرک و در خود فرو رفته زندگی دوران پیش‌سرما یه‌داری میتوانست انطباق داشته باشد. موضوع و شکل این اشعار اساسا - جز بدیهه‌سراشی‌ها - ما به ازای زمینی نداشت. کارکرد زیبایی‌شناسانه این اشعار رگیزا ززمین و زمینیان و پروا ز به دنیای لاهوتی آسمانی نبود. حتی وقتی که از معشوق معینی صحبت میشد، وقتی جنبش اجتماعی و فکری دوران مشروطیت که ناشی از تحول مناسبات تولید اجتماعی و گذار از نظامات پیش‌سرما یه‌داری به نظام نوین بود، پسا گرفت، دیوار کهن شعر پارسی بلحاظ زیبایی‌شناسی ترک برداشت. آنهم در شرایطی که چند صد سال پیشتر نهر کوردرا پشت سرداشت زیرا شعرا ز صفویه به بعد بویژه از دوره قاجار به به با سمسای از تجربیات قرن سوم تا هفتم تبدیل شده بود. در

جریان شکل‌گیری نهضت مشروطیت و در شرایطی که تا شیرپذیری روشنفکران از تحولات غرب، شعر نیز بعنوان یکی از اشکال بیان و یکی از هنرهای میبایست خودش را با این الزامات نوین هماهنگ کند. مفاهم جدید و حتی واژه‌های فرنگی بعنوان نوجویی و ادعای تمدنی آنکه کسی جرئت داشت به با شد قلب‌های کهن را مورد تازید قرار دهد. مفاهم جدید و قالب نوینی را می‌طلبیدند که پاسداران فسیل‌عده‌های قدیم نوسی و حشره‌شناسان معظم "اهل تحقیق" که فارغ از جهان و هر چه در اوست، سرگرم استخراج ماده تولد و مرگ امثال ابوطا هر اخصیگی بودند، مانع آن بودند چرا که خود را میراث‌دار رومی‌ها و رومی‌ها نگذاشته‌اند و از سنت هزاران ساله پاسداری میکردند و آن را همچنان یک واقعیت بی‌بدیل میدانستند.

اما دنیای خاموش زمینداری با دنیای پرتب و تاب کارخانه‌داری تفاوت داشت. دیگر قراردادها و گذشته‌های زیبایی‌شناسی مردم این دوره را نمیتوانست ارضاء کند چرا که نمیتوانست به نیای زمینی آنان پاسخ گوید. و میبایست قالبهای بیانی تازه‌ای را به میان کشید که ظرفیت‌های پذیرش مفاهم و ارزشهای زندگی نوین را داشته باشند. به خلاصه‌ترین کلام اگر دوران پیش - سرما یه‌داری چهار چوب معین زیبایی‌شناسی خاص خود را داشت، دوران نوین چهار چوب نوینسی را می‌طلبید که بتواند احساسات تازه زیبا - شناسی را خنثی پاسخ دهد. و نیما چنین کرد. از این نظر نیما یوشیج بیان تاریخی این دوره تحول و شاخص برجسته این دوره گذار بود در حوزه شعر. یعنی بیان گذار از دوران پیش‌سرما یه‌داری به سرما یه‌داری و الزامات آن از لحاظ زیبایی‌شناسی و مضمونی. بنا بر این نیما نه فقط بعنوان یک تکنیسین برجسته تحولاتی کیفی نوین در تکنیک و ساختار شعر ایجاد کرد، بلکه شعر دوران جدید را پی ریخت.

معاصر نوین شعر ما را با بقول امیدتنها ویران کننده نبود. خود سا زنده‌ای چیره دست بود و برخی از اشعار او هنوز بر بالاترین قله‌ای از شعر معاصر قرار دارد که تنها در پرتو آن امکان سنجش شعر خوب و بد ممکن است. از این رو کار بزرگ او تنها در تقطیع اوزان عروضی و کوتاه و بلند کردن مزارع نبود. او بیباک و نوینا بنده برجسته شعری شد که با زندگی انسان جدید انطباق داشت و توانست نبش آن را با زندگی جدید با همان ریتم‌های تند و غیر - منظم هماهنگ کند. ریتم تند و مقطع و نامتوازی که با یکنواختی گذشته همخوانی و همسوئی و هم‌آوایی ندارد. ریتم نوینی که با خیال پردازی‌ها، تصویرسازی‌ها و ترکیبات وواژگان نوینی سروکار دارد و شعر را از کاخ‌ها و کتبخانه‌ها و از چنگ ازمایه‌تران خارج کرده و یکسره کوچک و بزرگ را روانه کرده است. میدان بزرگی که در آن مردم مشق می‌ورزند، می‌جنگند و کار می‌کنند. مردمی که استقامت می‌شوند و بر علیه استعمارگران مبارزه می‌کنند. میزانهای این زندگی دیگر نه با چاه زنجیر آن سنجیده میشوند نه با جنگ خوبی و بدی بطور مطلق. از این رو با یکره مفهوم تریالیستی این تحول انگشت گذاشت. تحولی که نیما یوشیج مهر خود را بر آن زده و نقش کارساز و تعیین کننده خود را بر موازین زیبایی‌شناسی جدید و جامعه‌شناسی شعر معاصر بی‌رقیب کرده است.

اکنون دیگر سالیان دور گذشته است که نیما با "خانواده سرباز خودویا" افسانه "این زنگ بزرگ را به صدا درآورده است... شعر من"، "ماخ اول"، "ناقوس"، "شهر شب"، "شهر صبح"... او اکنون وسیله‌یانی چون شاملوت و مدام را رد نوده - ای تراژان شده است که بتواند مورد تردید کسی قرار گیرد.



ستون آزاد

بهمناسبت

اعلام موجودیت انجمن فرهنگی آذربایجان در آلمان فدرال

د رماههای اخیر تشکیلاتی بنام "آذربایجان کولتور اجاقی" (انجمن فرهنگی آذربایجان) در آلمان فدرال اعلام موجودیت کرده است، که اساسنامه آن پیش روی ماست. در شرایطی که در کشورمان خلقهای محروم از حقوق ملی خود مبارزه جانانه می راد رقابل رژیم جمهوری اسلامی پیش میبرند، وظیفه همه سا زمانهای کمونیستی و مترقی است که از این مبارزه پشتیبانی کرده و در رشد و شکوفائی و حفظ فرهنگ این خلقها کمک نمایند. قصد مانیز از برود اختن به این انجمن همین است.

اما قبل از برود اختن به خود انجمن و اساسنامه آن لازم است قدری در اطراف مسئله ملی و فرهنگی د ر ایران عموماً و د ر آذربایجان خصوصاً صحبت کنیم. سرزمینی که اینک بنام کشور ایران نامیده می شود از د بر با زسکونت گسناه خلقهای مختلفی بوده است، که د ر کنار هم زندگی کرده و د ر حالی که گنجینه فرهنگ ملی مختص به خود را بوجود آورده اند، د ر آفرینش فرهنگ و ادبیات غنی فارسی یاد قیق تربیگوشیم ایرانی نیز سهم بسزایی داشته اند. مثلاً شاعران و ادیبان بزرگ آذربایجانی آثاری بزبان فارسی بوجود آورده اند که جزو شاهکارهای ادب ایرانی بشمار می آیند. اصولاً د ر زیادای از بزرگان ادب آذربایجانی فقط به فارسی سرود و نوشته اند. خاقانی، نظامی، نسیمی و د هها چهره ادبی د یگر را می توان نام برد که ادبیات ایرانی را با وجود رسانده اند. با اینکه این خلقها د ر کنار هم زندگی کرده و برای ایرانی آزاد و آباد با هم د یگر کوشیده اند، ولی د ر اشعوا مل مختلف تاریخی و بعد ها د ر زمانی که تشکیل د ولت های ملی د ر دستور کار بورژوازی قرار گرفت خلق فارس د ر ایران تبدیل به "خلق بوتر" و د یگر خلقهای ساکن ایران که اکثریت مرد مرانشکیل می د هند به خلقهای د رجه دوم و فاقد حقوق ملی تبدیل شدند.

د ر کشور ما ایران د ر کنار ایجاد د ولت مقتدر مرکزی، رضا خان و پسرش رهبران این سیاست شروینیستی بورژوازی فارس شدند و با تمام قوا و امکانات خود این سیاست ضد خلقی را پیش بردند. و بدین ترتیب یکی از مسایل بغرنج جامعه ایران بوجود آمد که تا به امروز باعث ریخته شدن خونهای بیشماری شده است.

رژیم جمهوری اسلامی نیز برای د رجای پای رژیم گذشته گذشته گشته و به عداوت ملی زبرپوشش مذهبی دامن زد و با برآورد اختن جنگ شیعه و سنی (اکثریت خلقهای غیر فارس ایرانی به غیر از خلق آذربایجان سنی هستند) و بانفی وجود خلقها تحت لوای "امت اسلامی"، نه تنها قادی د ر راه د ر مان زخمهای بیشمار این خلقها برن داشته، برعکس با سرکوب خلقهای عرب و ترکمن که به بهای خون صد ها نفر متما مشد، اکنون نیز جنگی هفت ساله راد رکرد ستان به پیش می برد، و د ر عمل نشان داده است که د ر رکتار و خلقهای محروم ایرانی د ست کمی از رژیم شاهند ارد. همه این حقایق گویای آنست که زندگی خلقهای ایران د ر کنار هم هنگامی می تواند واقعاً براد رانه و برابر حقوق باشد که اد و طبلان باشد. یعنی علیرغم آنکه این خلقها حق انتخاب داشته و بتوانند د ر صورت تمایل جد اشد و د ولتهای ملی مستقل خود را تشکیل د هند، د ر رجه رچوب ایرانی آزاد و با برخورد آری از حقوق ملی خود باقی مانده و زندگی کنند. وگرنه د ر هر حالت د یگری این زندگی د ر کنار هم و این "برادری" با سمی و بازور سرنیزه خواهد بود.

انقلاب سوسیالیستی اکتبر د ر این مورد بهترین آموزش را به ما می د هد. بعد از زبروری انقلاب سوسیالیستی مهمترین وظیفه کمونیست های این ملت ها د ر کنار ایجاد سیستم سوسیالیستی، سعی د ر اشاعه و گسترش زبان ملی و فرهنگ و سنن خوب خلقهای خود بود. و اینگونه است که برای اولین بار د نیا از وجود خلقهایی با خبر می شود که سابق بر آن کسی آنها را نمی شناخت. اقوام و مللی که صاحب القبا نبودند، با ایجاد القبا صاحب روزنامه، تقاروراد یوبزبان ملی خود شدند و آثاری به زبان مادری خود آفریدند که جزو شاهکارهای ادبیات شوروی محسوب می شوند. و صد البته د ر این کار شریف طبقه کارگر و کمونیست های این خلقها نقش د رجه اول را بازی کردند. و اصولاً برای تکامل این خلقها راه د یگری نیز وجود نداشت. د ر اتحاد شوروی انقلاب فرهنگی فقط و فقط از طریق گسترش زبان و ادبیات خلقهای مختلف بود که می توانست

راه به موفقیت باز کند. و امروزه و د یروز نیز د ر ایران راه د یگری برای حل مشکلات خلقهای غیر فارس وجود نداشتند وند ارد. اگر شیادی و حقه بازی بنام "پیکار با بیسوادی" و "جهاد با بیسوادی" ره بجایی نبرد (بگذریم آنها و اینها د ر اصل نمی خواستند که ره بجایی هم ببرد!) د ر د رجه اول بخاطر آن بود که مهمترین مسئله همیشه نادیده گرفته شد. و آن اینکه د ر ایران چند ده میلیون، کسانی که به زبان فارسی تکلم می کنند اکثریت اهالی را تشکیل نمی د هند. بلکه اکثریت با خلقهای غیر فارس است. و برای حل مسئله ملی به این مهمی باید شبکه وسیعی از موسسات آموزشی، سینماها، تقارور. . . به زبانهای ملی تشکیل شود. و این موسسات را باید کسانی رهبری و اد ارن کنند که خود از این خلقها بوده و به زبان آنها تکلم نمایند. راد یووتلوویزین باید قسمت اعظم برنامه های خود را به زبانهای ملی اختصاص د هند و د ر موسسات آموزش عالی باید به تد ریس و گسترش زبانهای ملی توجه جدی شود. اینست راه حل واقعی مشکل بیسوادی. نه فرستادن معلم فارس زبان به د هها د آذربایجان و کردستان.

و اما د ر رابطه با خلق آذربایجان، باید بگوئیم که مبارزه د راه بد ست آوردن حقوق ملی و با بقول معروف خود مختاری به د وران مشروطیت بر میگرد د با کوشش و مجاهدتهای مبارزین آذربایجانی انقلاب مشروطیت بود که قانون انجمن های ایالتی و ولایتی به تصویب رسید. و همین قانون است که بعد ها اجرای صحیح آن همیشه از طرف مبارزین ملی آذربایجان و خلقهای د یگر خواسته می شد. بلا فاصله بعد از انقلاب مشروطیت و از د ست رفتن د ست آورد های این انقلاب توسط قعود الها و بورژوازی است که "انجمن ملی آذربایجان" که شیخ محمد خیابانی نیز عضو آن بود تبدیل به سنگر اساسی د فاع از خود مختاری و د مکراسی د ر ایران می شود. شیخ محمد خیابانی می گوید:

"... ای خلق غیرتمدن آذربایجان! ... ای قهرمان راه آزادی ... ای آذربایجان، ای نیروهای د مکراتیک آذربایجان، سرتان را بلند کنید! هر چند که د ر حال حاضر د ر بد بختی و فلاکت غوطه ور هستی و د ر نتیجه ضربات

وارد مقوه تفکر آزاد ست داد ای ... اما قبل از هر کس باید خودت به خودت کمک کنی. زبر آزادی ت فقط بد ست خود میسر است" (نقل از روزنامه تجدد د ارگان حزب د مکرات آذربایجان).

و چنین است که به اعتقاد شیخ محمد خیابانی آذربایجان نه تنها خودش بلکه ایران را نیز آزاد خواهد کرد. و این ایده ای است که بعد ها د ر زمان قیام خلق آذربایجان د ۲۵ - ۳۲ تحت رهبری فرزند فاکار خود سید جعفر پیشه وری بار د یگر تکرار می شود و آذربایجان بانجات خود سعی د ر نجات سراسر ایران می نماید. اما بار د یگر شکست می خورد و بهای آن را گران تر از همیشه می برد. و بیش از بیست هزار نفر از فرزندانش شریف این خلق ستم دیده توسط امپریالیسم و ارتجاع و شروینیست ها د ر خون غوطه ور می شوند. د ر بار شکست جنبش خلق آذربایجان زیاد گفته ولی کم نوشته شده است. و بررسی آن احتیاج به مقاله د یگری د ارد ولی آنچه که مسلم است نقش د رجه اول را فیرا زاشت باها ت فرقه د مکرات و شخص پیشه وری امپریالیسم و ارتجاع بازی کرد و اند که متاسفانه سیاست های استالینیستی آن زمان اتحاد شوروی زمینه را برای آن مناسب نمود. بهر حال پیشه وری از زبان خلق آذربایجان می گفت:

"فرقه باید همراه با خلق آذربایجان با خلقهای د یگری که د راه آزادی ملی مبارزه می کنند اتحاد برپا کند. د ر این رابطه برقراری برادری با کرد ها و جلب اعتماد آنها وظیفه جدی ماست. (منتخب آثار پیشه وری)

بدین ترتیب خلق آذربایجان د ر کنار مبارزه اش برای حقوق ملی خود، وظیفه اتنرتناسیونالیستی خود مید انست که برای آزادی خلقهای د یگر ایران نیز جان بازی کند. و البته راه د یگری غیر برای این خلق متصور نیست. زیرا سرنوشت او با سرنوشت کرد ها، ترکمن ها، فارس ها، بلوچها و عربها د ر ایران گره خورد ه است. و این مبارزه ای است که تا د یروز علیه شاه و د ر بار بورژوازی و لیسه انجام می گرفت و امروزه با یستی رژیم قرون وسطائی و خلق کش "قها" راه د ف قرار د هد. و د ر همین رابطه است که د ر مقدمه اساسنامه "انجمن فرهنگی"

بمنا سبت ...

آذ ربايجان " بد رستی رژيمشاه هدف حمله قرار گرفته و آزادی کشی و امحای حقوق ملی خلقهای غیر فارس توسط او وید رش مورد توجه قرار گرفته است : " . . . برای همین بود که سعی در رخنه کردن (منظور سرکوب حکومت ملی آذ ربايجان توسط رژيمشاه است) این حکومت نمود . محمد رضا شاه خائن با کمک آمریکا و انگلیس در روز ۲۱ آذر ۱۳۲۵ (۱۹۴۶) یعنی در رسالروز تأسیس حکومت ملی این نهضت را در ریایی از خون خفه کرد . بیست و پنج هزار نفر فدایی ، کارگرووشن فکرگشته ودهاها زانفرشکنجه ، زندانی و تبعید شدند . بعد از سرکوب حکومت ملی ستم ملی شدید توشده ، هزاران کتاب و نشریه به جرم اینکه به زبان مادری نوشته شده بودند آتش زدند . د انشگاه ومدارس به زبان آذ ربايجانی قدغن شدند . . . "

اساسنامه دامه یافته و رساله های اخیر تجلی نوینی پیدا کرد : " از سالهای ۱۹۵۴ به بعد نسل جدید برای زنده کردن فرهنگ ملی خود به فعالیت مخفی و علنی روی آورد . صمد بهرنگی ، علیرضا نایب دال (اوختای) و بهروز هقانی حاصل این نسل جدید به شمار می آیند . اینها ازدهات آذ ربايجان ادبیات شفاهی خلق را جمع آوری کرده و پنهانی به چاپ می رسانند . " وبعد هانیز این خلق آذ ربايجان است که اولین گلوله را به سوی رژيم جبار پهلوی شلیک می کند :

" ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ با زهم قیام از تبریز شروع شد . این قیام تاج و تخت رژيم پهلوی را تکان داد و خلقهای د یگرا به مبارزه فرا خواند . سلسله پهلوی از بین رفت . و خلق مان سعی در احیای موجودیت ملی خود نمود . " اما اینجاد ر رابطه با رویداد های بعد از انقلاب بهمن اساسنامه " انجمن " فقط یکبار و آنهم بصورت گذرا از جمهوری اسلامی نام می برد . و هیچگونه اشاره ای به آزادی کشی ، ارتجاع و ضد بشری بودن این رژيم نمی کند . چرا ؟ معلوم نیست شاید بخاطر آنکه جمعیت خود را یک تشکیلات فرهنگی می نامد . ولی آیا فرهنگ از آزادی ، پیشرفت و آرزوها و ایداهای شریف بشری میتواند جدا باشد ؟ امروزه کمتر کسی را می توان یافت که جوابش به این سؤال مثبت باشد . لذا بهتر می بود که در رفته و به بطور کلی در خود اساسنامه به بیشتر به جمهوری اسلامی پرداخته می شد و حد اقل خلق کشی این رژيم در کردستان منعکس می شد .

در دامه مقدمه با اشاره به دوران بعد از انقلاب می خوانیم : " . . . در همین مدت کم صد ها کتاب و نشریه به زبان مادری چاپ شد . لیکن بخاطر نبود یک تشکیلات ملی و اشتباهات سیاسی بعضی از نیروهای چپ ، خلق آذ ربايجان نتوانست فرهنگ ملی خود را حفظ کند . با زهم بسیاری از کتابهایی که به زبان مادری چاپ شده بودند از طرف رژيم جمهوری اسلامی قدغن و یاد ر چها ر چوب تنگی محد و د شدند . . . "

اینکه در شکست انقلاب بهمن عد متشکل مرد مواشتباهات و خیانت های نیروهایی مثل حزب توده و اکثریت نقش داشتند شکی نیست . ولی اول اینجا مسئولیت بورژوازی از جمله بورژوازی آذ ربايجان مسکوت مانده و ثانیاً مسئولیت رژيم جمهوری اسلامی و ققهاد را این امر خیلی بی رنگ عنوان می شود . و یا صحت ازعد موجود تشکیلات ملی می شود . این تشکیلات چه نوع تشکیلات و با کد ام برنامه است ؟ رهبری آن دست چه کسی و با کد ام طبقه خواهد بود ؟ جامعه دلخواه این تشکیلات ملی چه نوع جامعه ای است ؟ اینها سؤالاتی هستند که در مقدمه جوابی برای آنها نمی توان یافت . آیا این فقط اشتباهات بعضی از نیروهای چپ بود که باعث شد خلق آذ ربايجان نتواند فرهنگ خود را حفظ کند ؟

واقعیت اینست که در آذ ربايجان مبارزه با ستم ملی و برای خود مختاری تا زمان جنگ جهانی دوم تحت رهبری بورژوازی و نیروهای د مکررات انجام گرفته است . بعد از تشکیل حکومت ملی آذ ربايجان این مبارزه هر چند که با کمک بورژوازی ولی تحت رهبری طبقه کارگرانجام می گرفت . در واران بعد از شکست جنبش خلق در آذ ربايجان و بخصوص اصلاحات ارضی شاه و پیروسه ای که قبل از دهه چهل شروع ولی در دهه چهل به اوج خود رسید ، کم کم بورژوازی آذ ربايجان را در اقتصاد کشور تیدیل به وزنه مهمی نمود . از طرف د یگرا طبقه کارگران آذ ربايجان که نسبت به طبقه کارگران خلقهای د یگرا ایران قدم بیشتری در (اولین کارخانه قند ، جرم و کبریت سازی ایران در تبریز ساخته شده اند) بعد از اصلاحات ارضی ۱۳۴۲ مروج صنعتی شدن بعد از آن که باجک سرمایه — گذاری زیاد رژيم در صنایع آذ ربايجان شد ، برعد هترگردید و تیدیل به عامل مهمی در ریحیات خلق آذ ربايجان گردید . بطوریکه به جرئت می توان گفت که

هیچ حرکت مهم سیاسی در آذ ربايجان بدون شرکت این طبقه انجام نشدنی نیست . لذا از یک طرف بورژوازی آذ ربايجان که د یگرا بقول معروف " مشروطه خود را بدست آورد ه بود " ، تمایلی به شرکت در مبارزه ملی خلق آذ ربايجان نشان نمی دهد ، و از طرف د یگرا این طبقه کارگران آذ ربايجان است که رشد کرده و شروع به بازی کردن نقش در رجه اول راد ریحیات سیاسی آذ ربايجان نموده است . و این اوست که از این به بعد پرچم مبارزه ملی و طبقاتی را همزمان باید بردوش بکشد . و شکست یا عقب نشینی طبقه کارگران مستقیماً در مبارزه ملی نیز اثر خود را می گذارد . اینجا ممکن است گفته شود که رسالت طبقه کارگران مبارزه ملی بلکه مبارزه طبقاتی است و این بورژوازی است که پرچم مبارزه ملی می باشد . د ر جواب باید گفت : " مادامیکه وجه تمایزات ملی و د ولتی بین ملتها و کشورها وجود دارد — و این وجه تمایزات حتی پس از عملی شدن د یکتاتوری پرولتاریا د رقیاس جهانی نیز مدت های مدید باقی خواهد ماند — آنچه که وحدت تاکتیکی آنترناسیونالیستی جنبش کمونیستی کارگری تمام کشورهای ایجاب می کند ، از بین بردن تنوعات و وجه تمایزات ملی نبود . (در حال حاضر این فقط یک آرزوی بی حوج است) بلکه بکار بردن اصول اساسی کمونیسم (یعنی حکومت شوروی و د یکتاتوری پرولتاریا) و آنهم به نحویست که بتواند این اصول را در شرایط مشخص صحیحاً تغییر شکل دهد و با خصوصیات ملی و تمایزات ملی کشور معین د مساز نماید و آنها را بموقع اجرا گذارد (بیماری کودکی " چپ گرایی " د ر کمونیسم) . (تاکید ازماست) .

و جلوتر هم گفتیم که بعد از انقلاب اکثر بزرگترین وظیفه کمونیست های خلقهای غیر روس اشاعه و ایجاد فرهنگ ملی خلقهای خود بود . پس مبارزه خلق در آذ ربايجان تحت رهبری طبقه کارگران و ایدولوژی آن باید انجام پذیرد . سرنوشت خلق آذ ربايجان از سرنوشت خلقهای د یگرا ایران جدا نیست . آزادی خلق آذ ربايجان در گرو آزادی خلقهای د یگرا ایران است . حل مسئله ملی در چها ر چوب ایران سرمایه داری مشکل بتواند به صورت صحیح و منطقی انجام پذیرد . د ر این باره لنن می گوید :

" . . . من تأکید میکنم که راه حل مسئله ملی ، هر آینه در جهان سرمایه داری اصولاً چنین امکانی موجود باشد ، یکی است و آن د موکراتیسم بیگیراست . برای اثبات این قضیه من بعنوان مثال به سوئیس استناد می ورزم . " (یادداشت انتقادی د رمورد مسئله ملی اثر و . ای . لنن)

حل مسئله ملی در چها ر چوب ایران سوسیالیستی بهترین حالت خود را می یابد . زیرا با از بین رفتن بورژوازی عد و تنها و دشمنی ها جای خود را به دوستی بین این خلقها خواهد داد . منتها این به آن معنی نیست که خلق آذ ربايجان تا به امروز باید دست روی دست بگذارد . بلکه مبارزه در راه حفظ موجودیت ملی و فرهنگ و زبان ملی باید پابپای مبارزه در راه سوسیالیسم به پیش برد شود .

در اساسنامه " انجمن " د ر تعریف خود " انجمن فرهنگی آذ ربايجان " و توضیح هدفهای آن بد رستی آنجا مرکز تجمع آذ ربايجانیهای وطن پرست و پیشرو اعلام و هد فهای آن نیز رشد و گسترش زبان ، فرهنگ و هنر آذ ربايجانی شمرده شده است :

" انجمن تشکیلاتی است د موکراتیک که هدف آن ایجاد رابطه و هد ف واحد در میان آذ ربايجانیهای وطن پرست و پیشرو است که د ر خارج از ایران زندگی می کنند . همچنین شناساندن زبان ، فرهنگ ، هنر ، فولکلور و د یگرا خصوصیات ملی خلق به د یگران و تکامل آن هد ف انجمن می باشد . "

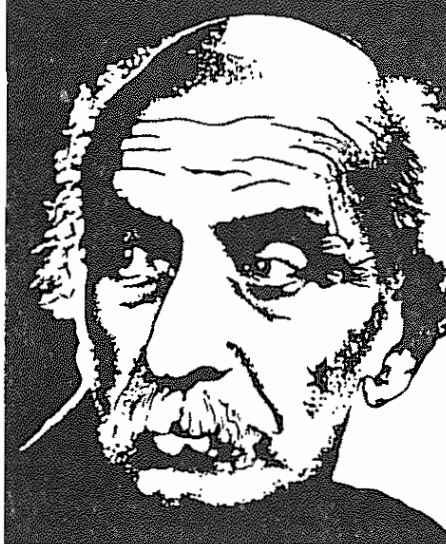
اما اینجا نیز اساسنامه از کنار موضوع مهمی مانند سدی که جمهوری اسلامی در مقابل گسترش " زبان ، فرهنگ ، هنر ، فولکلور و د یگرا خصوصیات ملی " خلقها ایجاد کرده است می گذرد . هر چند که به صورت مبهم ز مبارزه در راه برطرف کردن ستم ملی صحبت کرده و گفته که در مقابل متجاوزین به حقوق ملی و منافع و فرهنگ آذ ربايجان عکس العمل مناسب را نشان خواهد داد .

اساسنامه " انجمن فرهنگی آذ ربايجان " نشانگر تأسیس تشکیلات د مکرراتیکی است که می تواند در رشد و گسترش فرهنگ غنی خلق آذ ربايجان و حفظ زبان و سنن این خلق قدم بردارد . منتها نباید فراموش کرد که امروزه در ایران قدم اول برای هرگونه مبارزه با ستم ملی سرنوشتی رژيم جمهوری اسلامی است . زیرا پیشرفت فرهنگی د زیر سلطه رژيم " ققها " یعنی رژیمی که هیچگونه اعتقادی به حقوق خلقهای ایران چه فارس ، چه آذ ربايجانی وجه نکردند ، متصور نیست .

نمایش

خروس می خواند

آبان ۱۳۳۵



عطسه‌ی صبح دردمان غش بست
نقشه‌ی دلگشای روز سفید.

این زمانش به چشم
همچنانش که روز

ره‌برای روشن
شادی آورده‌است
اسب می‌راند.

قوقولی قو! گشاده‌شددل وهوش
صبح آمد، خروس میخواند.

همچوندا نی شب چون گور
مرغ از تنگی قفس جسته‌ست
دربیا بان و راه دورودرا ز
کیست کوما نده؟ کیست کوخته‌ست؟

قوقولی قو! خروس میخواند
از درون نهفت خلوت ده،
از نشیب رهی که چون رگ خشک،
در تن مردگان دواند خون
می‌تند بر جدا رسد سحر
می‌تراود به هر سوی هامون.
بانوایش از آورده‌امده‌پیر
مژده می‌آورد به گوش آزاد
می‌نماید رهش به آبادان
کاروان را در این خراب‌آباد.

نرم می‌آید
گرم می‌خواند
بال می‌کوبد
پرمی افشانند.

گوش برزنگ کاروان صد اش
دل بر آوای نغز او بسته‌ست.
قوقولی قو! برای این ره‌تاریک
کیست کوما نده؟ کیست کوخته‌ست؟

گرم شد از دم نواگرا و
سردی آور شب زمستانی
کرد افشای راهای مگو
روشن آرای صبح نورانی.

با تن خاک بوسه می‌شکنند
صبح نا زنده صبح دیر سفر
تاوی این نغمه از جگر بگشود
ورره سوزجان کشید به در.

قوقولی قو! ز خطی پیدا
می‌گریزدنهنان شیکور
چون پلییدی دروج کرد صبح
به نواهای روزگرد دور.

می‌شتا بد به راه مردسوار
گرچه اش درسیا هی اسب رمید

زندادان

آذر

بیا دینجره‌ام،

بیا دینجره‌هایی که روبه‌شب دارم

بیا دنا خه نوری که برکتا ره آن

همان تبسم گمگشته را به لب دارد

زیشت بنجره آخر نمی توان نشنید

ز قعر تاریکی

مدای سایش زنجیرهای خونین را

که با نوای سرود زمین

می‌آمیزد

نمی‌توان نشنید

صفیردا شم‌صدها گل‌وله در قلبی

که از طپش ننشسته‌است و برمی‌انگیزد...

هنوز می‌خوانی

ومن چگونه نبینم

ترا که حنجره زخمی ات تمام می‌شب

به رنگ آواز است

ترا برنده کوچکی

که جرمت آتش زیبای زندگی در جان

وبالهای بزرگی

برای پرواز است.

در آسمان سیاه

که قطره قطره ستاره

فشانده بود بخاک

بفکر بنجره بود

بفکر بنجره‌های گشاده برخوردار شد

برنده با زبیرید!

نظری به گرد همائی

بیست و هشتمین سالگرد تاسیس کنفدراسیون

ادامه از صفحه ۱

کلی که برایش تدارک دیده شده بود عجیب نیست؟
 بخصوص وقتی خبرداریم، که مبتکرین آن در این
 زمینه ها تجربیات ۲۸ ساله پشت سر دارند!
 تا آغا زبیرنا مه و علام تم ملی تحت عنوان
 تئوری تجارب کنفدراسیون و راه حل عملی برای
 وضعیت امروز " در هیچ کجا علنا اعلام نشده بود که
 این پنج روز حول چه موضوعی بحث خواهد شد! و هنگامی
 که از روز دوم لیست با صلاح مربوط به بررسی
 کنفدراسیون با زشد، بحث از خط خارج شد و پای جبهه
 آلترنا تیبو، بمیان آمد. و آنجا هم وارد عرصه های
 بی ربط دیگر شد. هیئت رئیسه جلسه نیز مها تریبیون
 را رها کرده بود تا هر کسی، جماعت را به هر طرف کسه
 خواست بکشانند. با چنین روال غریبی پیدا بود
 جمع بندی در کار نخواهد بود. چطور ممکن است
 بدون آمادگی قبلی، بحثی مانند جبهه آلترنا تیبو
 را که مستلزم تشریح مقولات اساسی سیاسی و تحلیلیهای
 همه جا نبه از واقع جاعه و احزاب و طبقات
 گوناگون است در چنین اجلاسی پیش برد، تا چینی
 دستگیر جماعت شود؟ حتی بحثی مانند کسار
 دموکراتیک در خارج از کشور که اکثریت شرکت
 کنندگان بنحوی از انحاء با آن آشنائی داشتند
 نیاز به تدارک قبلی داشت. بنظر میرسد برپا
 کنندگان این اجلاس به تنها چیزی که فکرت کرده
 بودند، موضوع و نتایج مباحث در این گردهمائی
 بوده است (هدف اصلی آنان همانا راه انداختن
 چنین گردهمائی بود، بعنوان یک حرکت تبلیغی
 برای مطرح کردن خود). بی تردید اگر حل معضلات

کار دموکراتیک در خارج از کشور و یا بخصوص، راه
 یابی برای ایجاد یک جبهه براندازی مدنظر میبود.
 ترتیب یک چنین گردهمائی که پنج روز وقت افراد
 بسیاری را گرفت غیر از این بود. روش برپائی این
 گردهمائی حتی از سمینارهای محلی که داشت توسط
 گروههای هواداری در شهرهای مختلف برپا میشود
 عقب مانده تر بود.
 علت این عقب ماندگی ولی در یک درک
 معین سیاسی نهفته است. گرایشی که قدرتیست
 وضعیت کنونی جنبش ما را مبنای حرکت خود قرار
 دهد. این گرایش بخصوص در بحث مربوط به ایجاد
 جبهه آلترنا تیبو و بحث های حول و حوش آن ظاهر
 شد. یک بحث صحیح و همه جا نبه و نتیجه بخش دربار
 این موضوع نمیتواند از طرحهای موجودی که
 احزاب مختلف در سطح جنبش ارائه کرده اند حرکت
 نکند. این استدلال به این معنا نیست که کسی حق
 ارائه طرح دیگری را ندارد. بلکه بحث بر سر این
 روش است که با بد مطلب را در یک چهارچوب معین
 که امروز جنبش در مقابل ما نبهاده قرار داد و بسا
 شرکت نمایندگان هر یک از طرحهای پیشنهادی را
 پیش برد. هر کسی که امروز در این جهت بخواهد
 برداشته شود، چاره ای ندارد جز اینکه از مصالح موجود
 و دستاوردهای کنونی بهره گیرد. این موضوع درباره
 ایجاد یک سازمان سراسری دموکراتیک در خارج از
 کشور نیز صادق است. برای ایجاد چنین تشکیلاتی،
 نمی توان کانون ها و انجمن های موجود را، با وجود
 هر ضعیفی هم که داشته باشند دور زد. تشکل های موجود

یک درجه ز خرده کاری و پراکندگی فاصله گرفته اند
 و حاصل تجاربی هستند. بنا بر این اگر قرار باشد
 در باره چگونگی ایجاد یک تشکیلات سراسری این
 دستاوردها نا دیده گرفته شود، این حرکتی به جلو
 نخواهد بود، بلکه بازگشت به گذشته است. یعنی
 تشدید پراکندگی و رواج انفرادی روشنفکرانه.
 و این سیاستی است که عملا در گردهمائی
 فرا نکفورت پیش گرفته شد. برپا کنندگان این
 برنامها نا دیده گرفتن پیشرفت های کنونی جنبش
 ما در هر دو محور بحث دربار بروی انفرادی و روحیه
 ضد حزبی باز گذاشتند. و منافع روشنفکران فرد را
 مبنای کار خود قرار دادند. مسلما این سیاست قادر
 نخواهد بود نقش متحد کننده ایفا کند. اگر مبتکرین
 این گردهمائی قصدی جز استفا ده تبلیغاتی برای
 مطرح کردن بعضی شخصیت های منفرد سیاسی
 نداشتند، می بایست موضوع بحث را قبل از مشخص
 می کردند تا نمایندگان سازمان های سیاسی و هر
 کسی که حرفی برای گفتن داشت با آمادگی لازم
 شرکت می جست تا این چنین وقت و انرژی مردم
 بدهد نرود. بخصوص همانطور که گفتیم در زمینه جبهه
 سیاسی علیه رژیم جمهوری اسلامی چنین روشی
 ضرورت داشت. بدیهی است تنها در این صورت
 امکان دست یافتن به جمع بندی میسر می گردید.
 و جمعیت شرکت کننده به جای ذهنی مغشوش شده و
 بی اعتماد به وحدت نیروهای دموکرات با دستی پر
 سمینار را ترک می کرد. بی اعتنائی سازمان
 دهندگان سمینار به این جنبه ها بخوبی نشان میدهد
 هدف از گردآوری عده زیادی از علاقه مندان به
 جنبش دموکراتیک و نیروهای انقلابی نه تحکیم
 مبارزات دموکراتیک و پیوند نیروهای دموکرات
 بلکه ترویج مشی انفرادی و روشنفکرانه بی عمل
 بوده است.

معنای عقل!

و به همین ۱۴ مورد ناقابل رضایت داده اند نه
 بخاطر این بوده که اسلام د یگر بیشتر از این ظرفیت
 تأکید نداشته بلکه بخاطر رعایت بند ۱۳ همین
 ماده بوده است! با زهم خدا را شکر!
 و اما ما که از توضیح "عقل" بعنوان اصل اول از
 "اساس" اسلام برای خوانندگان عاجزیم، فقط
 سعی میکنیم با آوردن یک نمونه از "سنت معصومین"
 بعنوان اصل سوم از "اساس" اسلام، برای درک
 معنای "عقل" در نظام ولایت فقیه آماده تر شویم!
 آیت الله دستغیب در کتاب تاریخی - علمی!
 "شرح و تفسیر سوره شریفه واقعه" صفحه ۱۷ می نویسد:
 "سلمان فارسی در چار زکام شدیدی گردید. سر و
 گردن را پیچیده بود و خدمت امیر
 المؤمنین علی علیه السلام رسید.
 حضرت به او فرمود: در هر فردی شش رگ است، رگ
 دیوانگی، کوری، جذام، طاعون، بصر، بواسیر.
 آنوقت فرمود: هنگامیکه رگ دیوانگی بحرکت در
 آید یعنی در بدن، مقدمات دیوانگی فراهم شود

خداوند شخص را بزکام مبتلا میفرماید - وقتی که
 گفتارهای سر مرتباً بواسطه زکام خارج میگردد
 جلوگیری از یک نوع جنون مینماید.
 و تشکیک شخص بخواهد مبتلا به کوری شود، خدا
 او را به چشم درد مبتلا می فرماید و برای جلوگیری از
 جذام یعنی خوره، موی بینی از آن پیشگیری می کند.
 لذا باید با مقراض یعنی قیچی این موها را چیدن
 اینکه آنها را کند. و اگر زمینه طاعون در کسی پدید
 شود به برکت سرفه از آن جلوگیری میشود و برای
 جلوگیری از بصر یعنی پیسه که پوست در گون
 زشت میگردد خدا او را به مل و کورک مبتلا میفرماید
 که خون قاسد خارج شود و از تأثیرش در پوست جلو
 گیری نماید. و هنگامیکه زمینه بواسیر پدید آید
 ترک میخورد، بخاراتی از شقاق با خارج میشود
 مانع از بیماری سخت تر میگردد. و هر چند وقتی هوا
 سرد میگردد، شخص ناراحت میشود، نمیتواند
 در دسترا برود، لکن می آرزد، شرم در برابر خیر
 کثیر که جلوگیری از شرکیر است.
 این یک نمونه کوچک از روایات بیشمار از "سنت
 معصومین" است که یکی از سه مولفه نظام ولایت
 فقیه در قانونگذاری و نظام ارزشهای آنست. حال
 مسلمانان بیشتر از این نیازی به توضیح معنای "عقل" و
 خوابی که مجلس ارتجاع برای آموزش و پرورش ایران
 می بیند، نیست!

سرانجام مجلس ولایت فقیه در هفدهم آذر
 سه ماده از "طرح قانونی اهداف و وظایف وزارت
 آموزش و پرورش" را تصویب نمود. نگاهی گذر به
 ماده یک و دوم و این طرح برای درک عمق تحمیل و
 جایگاه اندیشه و عقل در نظام ولایت فقیه
 کافیت.
 "فصل اول - اهداف اساسی وزارت آموزش
 و پرورش":
 "ماده ۱: تقویت مبانی اعتقادی و معنوی
 دانش آموزان از طریق تبیین و تعلیم اصول و معارف
 احکام دین مبین اسلام و مذاهب حقه جعفری اثنا
 عشری بر اساس عقل، قرآن و سنت معصومین."
 "ماده ۲:
 ۱- رشد فضائل اخلاقی و تزکیه دانش آموزان
 بر پایه تعالیم عالی اسلام.
 ۲- تبیین ارزشهای اسلامی و پرورش دانش
 آموزان بر اساس آنها.
 ۳- تقویت و تحکیم روحیه اتکال به خدا و اعتماد
 به نفس.
 ۴- ایجاد روحیه تعبد دینی و التزام عملی به
 احکام اسلامی.
 ۵- اینکه آخوند جماعت مجلس نشین بیشتر از این!
 ماده را طولانی نکرده و به ۱۰۰ و ۲۰۰ نرسانده

پیروزی پناهندگان ...

کشورهای مختلف بصورت موثر به مقابله برخاستند. در این رابطه با دیدن راه‌ها و آورشده‌ها زمان محاهدین با سکوت دربارۀ فعالیت‌ها و زمان‌ها گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی دیگر با ردیگرما هیئت ضد مکرراتیک خود را بنمایش گذاشت و نشان داد برای این سازمان‌ها تنها منافع حقیق‌گروهای مطرح است و نه حقوق دمکراتیک عمومی.

اگر پیروزی پناهندگان و عقب‌نشینی دول امیریا لیستی و شکست توطئه‌های رژیم‌فقاها پس از بقا ریم، بیش از هر چیز برای روشن کردن مسیر حرکت حال و آینده است. با در نظر گرفتن دستاورد‌های این حرکت با دیدن حساسیت بیشتری نسبت به سرنوشت همگانی در اینجا و آنجا برخوردار شدیم. هم اکنون تعداد زیادی از هموطنان ما در پاکستان در خطر توطئه‌های مشابه آنجا قرار ربودند در فرانسه انجام شود، قرار دارند. چنین است وضع سخست پناهندگان مقیم ترکیه و روندقشا را افزایش یافته بر پناهندگان در آلمان که بصورت افزایش میزان ردی درخواست پناهندگی جلوه‌گراست. همینطور است امتناع از پذیرش درخواست پناهندگی در کشورهای اسکاتلند و انگلیس و غیره که به دپورت متقاضیان نیز همراه بوده است. با گسترش فعالیت تشکلهای پناهندگان در موازین کاملاً دمکراتیک و سازمان‌داده و وسیعترین پناهنده‌های آنجا و با دست‌یازیدن به اتحاد عمل‌های گسترده میتوان به دستاوردهای چشمگیر دست یافت!

"چشم‌انداز" منتشر شد

شماره (۳) چشم‌انداز، گاهنامه‌ایکه به وسیله ناصر پاک‌داهن و محسن یلغانی منتشر میشود، به بازار آمد. در این شماره آثاری می‌خوانیم از: ناصر پاک‌داهن، مصطفی شما عیان، الف. ه. کشاورز، توح اثابکی، ناصر شهاب‌نگ، اکبر سرد واهی... و اشعاری از اسماعیل خویی، م. پیوند، بتول عزیزپور، سعید یوسف و...

برای سمینار آخن ...

قرار میدهد، به یک تعریف صرفاً صنفی از تشکل توده‌ای میرسد. در حالیکه گرایش مقابل به عنوان سیاسی بودن تشکل پناهندگان تا بیانات اکسیونیستی خود را شوربزه می‌کند. ما در جای خود به توضیح بیشتر این دو تعریف خواهیم پرداخت. ولی تا آنجا که موضوع روش فعالیت در میان است، ما معتقدیم اغلب تشکلهای موجود بیش از آنکه روی مسائل پناهندگی متمرکز شده و مطالبات و شعارها را و اشکال مبارزات و فعالیت اجتماعی این گروه‌ها را مورد بررسی قرار داده باشند و این کار سنگ بنای فعالیت توده‌ای است. خود را درگیر اقدامات پراکنده کرده‌اند.

بنظر ما محورهای یا دنده موضوعات عاجل تشکل‌های پناهندگی و دمکراتیک است که با دیدن آنها حل و فصل شود. سمینار آخن با پرداختن به این محورها قطعاً خواهد توانست گام دیگری در جهت تحکیم اصول فعالیت‌کنان و دست‌ارک یک تشکیلات سراسری بردارد.

عصفتواها و اوج بحرانها

میان "بالائیا" و "چهره در راه پناهندگان" وجه در راه پناهندگان است که دیگر گراشی برای ادامه ما نورهای کهنه نمی‌گذارد. و این در حالیکه مجلس سوم، که با بدتضمین کننده چنین حکومت متمرکزی باشد، در پیش است. به یک کلام و فاجع بیش از آن و خیمه است که خمینی "بنای سکوت" داشته باشد تا از "علما" بخواد هکده خود بررسی کنند و وحدت را حفظ نمایند. اینست علت آغاز زدن عصفتواها برای تحکیم قدرت دولت.

اما چنانکه می‌بیند رند مسئله بخوبی و خوشی فیصله نخواهد یافت. رفسنجانی در فردای "پاسخ خمینی به خامنه‌ای، که در آن علاوه بر توبیخ خامنه‌ای راجع به تحریف نظار و (خمینی) در نماز جمعه در مورد حکومت با شدت و صراحت سه باره حکومت را همه‌گزاره اعلام کرد در مجلس گفت: "اگر کسی مرض نداشته باشد دیگر نباید مخالفت کند و اختلاف وجود نداشته باشد". بلکه موضوع بر سر آنست که آیا بدرستی میدانند که "مرض" در رند وزیر با رنخواهند رفت، واقعیت و فاجع بحران‌ها چنانچه ممکن بودن تحکیم قدرت دولت کواهی میدهد.

زیرا علاوه بر وجودده‌ها معضل لاینحل در برابر دولت، اینبار جنگ قدرت یک جنگ خانگی در میان دویخ اصلی رژیم و دستگا و روحا نیت است که با ابزارهای مخصوص خود یعنی فقه و اصول ایدئولوژیک اسلام به جان یکدیگر افتاده‌اند. امروز روحانیت پیرو ولایت فقیه از بالاترین شکان برداشته است. اگر چه با دخالت خمینی، جناح فقه‌سنجی و با زار و علاققان گرفته است اما با زاری تمام شده نیست، آنها خودی هستند و به ناهمگونی مختلف سرباز می‌آورند، حتی بصورت مال خود کردن "موضع خمینی" نبرد برای قدرت ادامه دارد!

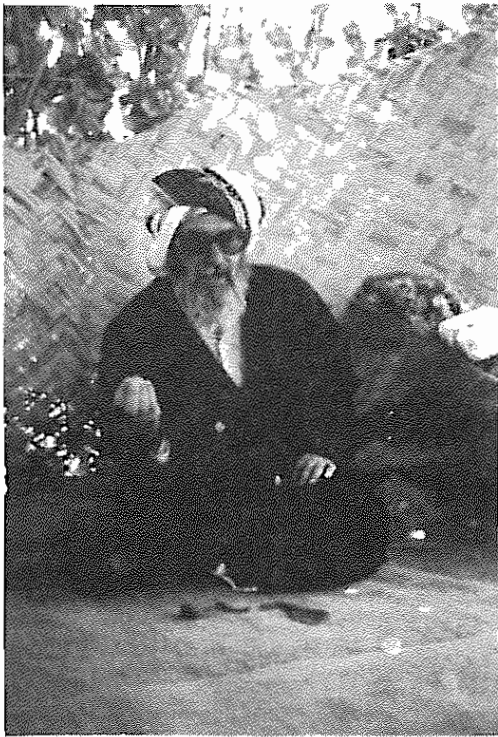
نگردید. این دورا زبحران حکومتی اساسا ناشی از پیشروی جناح با زار بود که با دستیابی به امکانات وسیع اقتصادی خواهان نقش‌آسایی در قسوه اجرائی بفتح بخش خصوصی بود. آنها با حربه فقه سنتی و تحت زعامت شورای نگهبان و مدرسین و غیره با جلوگیری از تصویب لوایح در کاردولست اخلال می‌کردند. ضعف بنیه اقتصادی رژیم بعلت جنگ و بحران با زار رفت و رشنای رضاشاهی سوده‌ای زمینه‌هاشی بودند که حریف در پیش روی خود از آنها سود می‌جست.

با نزدیک شدن انتخابات دور سوم، که نقش مهمی در آینده رژیم خصوصاً بعد از فوت خمینی خواهد داشت، لزوم جلوگیری از پیشروی این جناح ضرورت بیشتری پیدا کرده است. البته ضد حملات جناح "دولتمدار" از مدت‌ها پیش از صدور فتواها بصورت مبارزه با احتکار و "ظلمت‌گشا"، عزل و نصب‌های وزیر کشور در استان‌ها و غیره آغاز شده بود. اما این جنگ و دعوا، با این پیشینه و البته با سابقه‌ای به قدمت تمام عمر رژیم چرا مسرور به شیوه صدور فتوا با بدل شود؟

در استراتژی خمینی بعنوان "رهبر حکومت فقیه قدرت دولتی جای مهمی را اشغال می‌کنند، و در زمره آندسته از رهبران مرتجع سیاسی کشور است که نسبت به "قدرت سیاسی" هیچگاه توهّم و تزلزلی نداشته است. در مقطع کنونی نیز همین مسئله و دقیقاً همین مسئله در کانون اقدامات و قرار داده شده است. خط اساسی او برای غلبه بر بحران مملکت، تشکیل یک دولت متمرکز و قوی است و این را بعنوان یک آموزش از خود بحران جا می‌مسه آموخته است. اما ما نورهای او برای شکل دادن به چنین دولتی تاکنون شکست خورده است. در موقعیت کنونی اما بعد از بحران چه در

پاریس به ایران
قول فروش را کت داد!

لندن - ۱۲ ژانویه: طبق اطلاعاتی که نشریه تکنیکی انگلیسی "ایندپندنت" (Independent) منتشر نموده است، فرانسه در نظر دارد بزودی تکنولوژی پیشرفته نظامی - بخصوص راکت - به ایران صادر نماید. با کمک این راکتها، ناوهای سریع پاسداران مدیترانه خواهند شد. بطوریکه این نشریه در شماره روز سه‌شنبه خود گزارش داده است، صد و این تکنولوژی نظامی بر اساس قرارداد محرمانه‌ای بین پاریس و تهران صورت می‌گیرد. که در سال گذشته منعقد گردیده است. نشریه "ایندپندنت" پیش‌بینی میکند که این قرارداد بیش از همه صد و راکتهای "اکسوسیت" و راکتهای اتومات رادربودارد، که بر روی ناوهای سریع از نوع "کامان" (Kaman) سوار خواهند گردید.



بنا به درخواست "پیام کارگر" صاحب‌ای با ما موستاشیخ عزالدین حسینی توسط یکی از رفقای ما در کردستان انجام گرفت که متن آنرا ذیلاً مطالعه می‌کنید .
با تشکر از ما موستاکه درخواست ما را پذیرفتند و با حوصله و اشتیاق به سئوال‌های طرح شده پاسخ گفتند . برای ایشان آرزوی موفقیت می‌کنیم .

هیئت تحریریه

مصاحبه

"پیام کارگر"

قسمت دوم

با ما موستاشیخ عزالدین حسینی

مسلم است که جامعه انسانی روز بروز رحال تکامل است و چیزهایی که شاید در هزار سال پیش عدل بوده ، امروزه بینیم که ظلم است . اسلام می‌گوید که باید عدالت را بیاورد . من به این معیار تکیه می‌کنم ، آیا اصلاح جامعه‌ی انسانی یا اصلاح یک ملت چیست ؟ هرچه هست آن برحق است .

سئوال : جمهوری اسلامی با اتکا به یک سلسله احکام شرعی دیگر ، آزادی و هویت مستقل زنان را در هیچیک از برهه‌های زندگی اجتماعی به رسمیت نمی‌شناسد . شما در این رابطه نظرستان چیست و مفهوم آزادی زنان را در چه میدانید ؟

ما موستا : شکی در این نیست که خیلی به زنان ستم شده است . هم‌هنگامیکه در خانواده‌ی شوهر هستند ، هم‌هنگامیکه در اجتماع . این اساساً ز نظر من مرد است . من معتقد به حقوق مساوات و برابری با مرد از حیث حقوق اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی هستم . یعنی همچنانکه مرد برای اش امکان

هنست که مدارج تکامل را ببیند و به آن چیزی که در استعداد او توانایی اش نهفته است می‌تواند برسد ، زن هم باید همینطور باشد ، نه با زورنه با هیچ حیل و نیرنگی نباید او را زبیشرفت بازداریم و آزادی اش را محدود کنیم . ولی یک چیز دیگر که

می‌خواهم مطرح کنم این است که من همیشه آزادی را از بی بند و باری جدا می‌دانم . من معتقد به آزادی ام ولی مخالف این هستم که زن و مرد ، مخصوصاً زنان ، تحت نام آزادی ، بی بند و بار ، باشند ، در عین حالیکه در جامعه تحت استثمات قرار بگیرند . همچنانکه زن نباید تحت ستم و استثمات قرار بگیرد ، به هر شکلش ، همینطور نباید مانند سابق فقط ظواهر آزادی داشته باشد ولی در واقع تحت استثمات مرد قرار بگیرد . زن باید این احساس را بکند که یک شخصیت مستقل است . در جامعه

و نه اینکه آنها در خدمت مذ‌ه‌ب ، خمینی و سایر کشورهای ارتجاعی که می‌خواهند حکومت مذ‌ه‌بی را بپایه کنند ، می‌خواهند به این وسیله قدرت را در دست بگیرند و برگردان مردم سوا و شوند و حقوق آنها را پایمال کنند ، اینها دروغ می‌گویند . این اسلام می‌گوید که من می‌شناسم این نیست که اینها می‌گویند . و اساساً به نفع مذ‌ه‌ب است که به چنین حکومتی آلوده نگردد و قدسیت خود را حفظ کند . کسی که وجدان معتقد است می‌رود نماز می‌خواند ، آزاد است نماز بخواند یا نخواند . وقتی که ببیند اگر در صف جمع حاضر نباشد یا مسجد نرود و نماز نخواند کوبین به او نمی‌دهند یا حقوقش را نمیدهند ، این نماز چه ارزشی دارد ؟ این نماز برای پول است ، برای برونج است . این نماز نیست ، نماز طبق قرآن ، تنها از وجود ان و ایمان انسان باید سرچشمه بگیرد . روی این مسئله ، عقیده ام این است که نه اینکه یک حکومت ضد مذ‌ه‌بی روی کار بیاید ، چون آن هم مکراسی را از زمین می‌برد . من می‌گویم حکومت غیر مذ‌ه‌بی .

سئوال : نظرتان در مورد قوانین اسلامی مثل قصاص و تعزیرات و دیات چیست ؟ آیا مخالفت شما با دولت مذ‌ه‌بی ، به معنای مخالفت شما با این قوانین هم هست ؟

ما موستا : باید یک چیز را یاد کنید که رد بین چیزهایی هست که اصول است و قابل تغییر نیست و در هیچ شرایط و زمانی دگرگونی نمی‌پذیرد ، ولی بعضی قوانین در اسلام هست که تابع شرایط زمان و معلول علت هاست . می‌توان آنها را طبق شرایط زمان تغییر داد و کاملاً بر شرایط منطبق کرد . آنچه جمهوری اسلامی می‌کند ، برحق نیست ، قانون اسلامی نیست ، این یک گستاخ است ، یک فاجعه است ، در صورتیکه ما بخواهیم قصاص را اجرا کنیم ، باید سران حکومت جمهوری اسلامی را قصاص کرد .

سئوال : در رابطه با همین مسئله ، همانطور که می‌دانید طیف وسیعی از لیبرال‌ها به اختلافات درون هیئت حاکمه چشم‌دخته‌اند و در برابر رشد جنبش توده‌ای ، تراستحالی‌های رژیم را دنبال می‌کنند . نظر شما در این مورد چیست ؟

ما موستا : به عقیده من به هیچ وجه امکان ندارد که استحال‌های در این رژیم صورت بگیرد . در رژیم استحال ممکن است که قانون اساسی اش تا حدی شرقی باشد ولی کسانی که حکومت می‌کنند آن را نادیده بگیرند و به آن عمل نکنند . در آن حالت ، می‌شود گفت که اگر در هیئت دولت تغییری بوجود بیاید و آن قانون را اجرا کند ، تا حدی در فرم و استحال ، عملی است . ولی در رژیم که روی دیکتاتوری و لایست فقیه تکیه کرده است چطور ممکن است استحال‌های صورت بگیرد ؟ البته ممکن است این رژیم مثلاً از ادعای صد ورا انقلاب دست بردارد و با امیرالایسم کنار بیاید ، اما اینکه در رین ایران طوری بشود که رژیم ، عدالت اجتماعی و آزادی و تلاش برای رشد و تکامل علمی و فرهنگی را مد نظر قرار دهد و حقوق زحمتکشان و زنان و خلق‌های ایران از جمله خلق کرد را به رسمیت بشناسد ، امکان‌پذیر نیست . این رژیم ، بدترین شکل دیکتاتوری مذ‌ه‌بی را برجا می‌کشد که کرده و اساساً یک چنین رژیم مذ‌ه‌بی ای نمی‌تواند به هیچ وجه دیکتاتیک باشد یا امکان دیکتاتیک شدن داشته باشد .

سئوال : ما موستا ! لطفاً بطور مشخص علل مخالفتتان را با دولت مذ‌ه‌بی - علاوه بر اینکه بطور کلی یک دولت مذ‌ه‌بی نمی‌تواند دیکتاتیک باشد - توضیح دهید .

ما موستا : ببینید ، حکومت‌هایی که از مذ‌ه‌ب دفاع می‌کنند بخواهند سبب گرفتن و تحکیم قدرت از مذ‌ه‌ب دفاع می‌کنند . آنها مذ‌ه‌ب را به عنوان وسیله‌ای برای حکومت کردن و استثمات کردن در خدمت می‌گیرند . مذ‌ه‌ب در اختیار رود رخد مت آنهاست

مصاحبه‌ها...

دنباله‌رو نیست. و اینکه می‌گویم مساوات و برابری و آزادی، به این معنی نیست که زنان و مردان در تقسیم‌کار برابری هستند. نه به این معنی که هیچ زنی نمی‌تواند کار مرد را انجام دهد و هیچ مردی نمیتواند کار زنی را انجام دهد. ولی عقیده‌ام این است که خود بخود در طبیعت تقسیم‌بندی هست، زنان برای کارهایی مناسب‌ترند اما نه اینکه باید آن کارها را بدین گونه انجام دهند. مسئله اساسا انتخاب آزادانه است هم برای مردان، هم برای زنان. زنان را باید آزاد گذاشت که مطابق استعداد و به مقتضای طبیعتشان رشد کنند. در دنیا تا امروز کارهای سنگین در دست مردان بوده، ولی زنانی هستند که در این زمینه هم به پای مردان می‌رسند یا زمینه دارند که برسند. من عقیده‌ام که باید این زمینه را هم برای مردان هم برای زنان فراهم کرد.

سؤال: چگونه میشود این زمینه را فراهم کرد؟
زمینه اجتماعی‌ای که زن خود را به عنوان یک شخصیت مستقل در جامعه ارائه دهد.

ما موستا: د مگراسی. و این یعنی هرملتیسی حکومت خودشان را داشته باشند و در استقلال و ملت دیگر نباشد. در تمام همدیگر باشنند، همدیگر را تقویت کنند. و یک ملت مادام که یک ملت باشد باید خودش سرنوشته خودش را تعیین کند. و این را من برای هر فردی در جامعه قائل هستم. ریشه‌ی استثمار ملت از ملت و فرد از فرد را باید قطع کرد.

سؤال: آیا این ارزیابی قطع کردن استثمار و به نظام حکومتی مربوط است؟

ما موستا: بله. باید تلاش کرد که سرمایه‌داری از بین برود. من معتقدم که سرمایه‌داری برای دنیای امروز، عدل نیست، غیرطبیعی است. یک سوسیالیسم واقع بینانه باید پیاده شود. هیچکس امتیاز غیرطبیعی نباید داشته باشد و هیچ استثماری نباید باشد، اما امتیاز طبیعی بنظر من از بین نمی‌رود. مثلاً یک پزشک خدمتگزار و وظیفه شناس همیشه در جامعه، ارزش خاص خودش را دارد که یک پرستارند. این یک نظام طبیعی است. و سرمایه‌داری در خدمت جامعه باشد نه اینکه جامعه در خدمت سرمایه‌داری باشد. یعنی هر کس آنقدر امکانات اقتصادی باید داشته باشد که برای زندگی خودش به آن نیاز واقعی دارد، اگر از رفح نیا زیست‌تربا باشد به حقیقت مال‌اوت نیست، مال دیگران است. ولی این باید برای کارکرد، از راه پرورش، از راه تکامل جامعه انسانی، از راه علم و معرفت، به این زودی ما نمی‌توانیم به آن برسیم. ما اگر رژیم‌خیمین را ساقط کنیم و یک رژیم د مگراتیک را در ایران روی کار بیاوریم خیلی پیشرفت کردیم. شاید خیلی فراتر از پیشرفت‌ها و مشکلات در راه رسیدن به هدفی که گفتیم راه باشد ولی من به رسیدن این جامعه انسانی که روی اصول سعادت و خوشبختی و رفاه و برابری بنا شود اعتقاد دارم. آگاهی دادن به مردم در این رابطه، خیلی اهمیت دارد. مردم باید بدانند که ستم چیست و برای رفع آن چه باید کرد. بسیاری از مردم ما هنوز نمی‌دانند ستم چیست. سالها در ستم‌اند اما تصور نمی‌کنند که در ستم نیستند، استثمار نمی‌شوند. باید مردم را آگاه کرد، آگاهی سیاسی و طبقاتی. باید نیروهای انقلابی خیلی کار کنند که به توده‌های مردم

ملت‌های تحت ستم بگویند حقت ضایع شده و مورد استثمار قرار گرفته‌ای. تا آگاهی توده‌های مردم نباشد، هیچ حکومت مردمی پیدا نمی‌شود. بعضی می‌آیند بنام مردم حکومت را درست می‌کنند. می‌گیرند مردم را زانها پشتیبانی می‌کنند، اما دروغ می‌گویند و نمایندگان واقعی مردم نبودند یا بعد از به قدرت رسیدن، تغییر جهت دادند و انقدر در بسیاری از کشورها اینرا دیده‌ایم. مردم را باید آگاه کرد که فریب نخورند، چون وقتی آگاه و متحد نباشند، آن استعداد را همنه دارند که هر وقت بخواهند حاکمان و صاحب‌منصبان را پائین بیاورند و دوباره دیکتاتوری بر آنها حاکم می‌شود.

سؤال: آیا فکرمی‌کنید که تنها، آگاهی ملاح حاکمیت مردم است؟ آیا مردم صرفاً تکیه به آگاهی می‌توانند نمایندگان خودشان را داشته باشند؟
ما موستا: اجازت بدید. اینکه می‌گویم مردم آگاه بشوند، در صورت آگاه شدن هم، بدون شکل مسلم است که هیچ کاری نمی‌توانند بکنند. باید در یک قاعده‌ی سیاسی، مردم را متشکل کرد. بدون شکل، مردم مانند خشت‌های پراکنده‌ای هستند که هیچگاه به ساختن نمی‌توانند تبدیل نخواهند شد. یکی از دلایل اینکه حکومت جمهوری اسلامی سقوط نمی‌کند همین عدم تشکیل مردم است. مسلم، با اینکه مردم از جوهر خیمینی آگاه هستند اما چون متشکل نیستند، موجبات سقوط رژیم فراهم نمی‌آید. این شرط اول است. و آگاهی و تشکیل باهم در ارتباط تنگاتنگ می‌باشند.

سؤال: ما موستا! نظر شما در مورد جنگ ایران و عراق، بحران خلیج فارس و چشم‌اندازهای احتمالی آن چیست؟

ما موستا: مسلم‌هه‌می دانیم که جنگ ایران و عراق، یک جنگ ارتجاعی است. علاوه بر زبان‌های اقتصادی، و اینکه کشتار و آوارگی، چیزی که در این جنگ مایه‌ی تأسف است، این است که این جنگ، هدف ندارد. این جنگ به این بست رسیده. تا آن موقع که خرمشهر آزاد شد، ملت ایران حق داشتند از خودشان دفاع کنند ولی بعد از آن، دیکر هیچ علتی برای ادامه‌ی آن نمی‌توان پیدا کرد. البته جمهوری اسلامی برای تثبیت خودش، برای اینکه اعتراضات توده‌های و زمره‌ی مردمی ترسد، برای اینکه خیمینی اساساً جنگ طلب و جنایتکار است و کل جمهوری اسلامی هم از او پیروی می‌کند، جنگ را ادامه می‌دهد. شما مطلع هستید که در جنگ بر خلق تحمیل شده، یکی جنگی که جمهوری اسلامی به این خلق تحمیل کرده و آن نزدیک به ۲۰۰ هزار نفر برای اشغال کردن استان در کردستان هستند، و دیگری جنگ ایران و عراق، که چه تأثیر مخرب و جنایتکارانه‌ای بر کردستان دارد. من در ادامه‌ی جنگ، خیمینی را مقصر می‌دانم. جنگی که هیچ نتیجه‌ای ندارد و جمهوری اسلامی خواه جنگ را ادامه دهد خواه آتش بس کند شکست خورده است. در صورتیکه جنگ را ادامه دهد امکان ندارد پیروز شود چون شما خودتان می‌دانید کسانی که به جنبه‌ها برده‌اند و سربازان جباری‌اند، اغلب از جنبه‌ها فرار می‌کنند، هیچکس با زبنت به جنبه‌ها نمی‌رود حتی اگر قبلاً برای تأمین زندگی خسود مجبور بودند به جنبه‌ها بروند، این انگیزه‌ها هم وجود ندارد. جنگ برای مردم جز ویرانی و خسارت و از دست دادن عزیزان چیزی به بار نیاورد و هر نظر همه‌ی مردم یک فاجعه است. از طرف دیگر اگر فرضاً صلح بکند، چون به آن اهد افی که اعلام کرده که راه‌آهن از کربلا می‌گذرد و انقلاب را صادر می‌کند و

بعد‌هایی که به مردم داده‌برای اینکه آنها را به جنگ بکشاند، دست پیدا نمی‌کند آیا مردم ایران از او با زخواست نمی‌کنند که این همه مردم را بکشند دادی این همه از کشور را از بین بردی، این همه آوارگی بی‌وجود آوردی، قدس کجاست؟ کربلا کجاست؟ برای همین است که خیمینی به سادگی زیر بار صلح نمی‌رود. در مورد مسئله‌ی خلیج هم مسلم است که آمدن آمریکا و متحدینش تنها به خاطر این نیست که کشتی‌های کویت را تانمین کنند، بخاطر این است که جلوه‌حمله‌ی ایران را به کشورهای خلیج بگیرند و بخاطر این است که به جمهوری اسلامی فشار بیاورند که صلح بکند. یعنی اهد افی عمیقتر و گسترده‌تر از مسئله‌ی کویت در کار است و جمهوری اسلامی خودش این را می‌داند و علیرغم حرف‌هایش، در عمل عقب‌نشینی کرده است. و بنظر من خیمینی به صلح تن خواهد داد ولی نه به این زودی. زمینه را ابتدا در مردم آماده می‌کند، مانند مسئله‌ی گروگان‌ها.

سؤال: ما موستا! همانطور که می‌دانید جنبش بان اسلام میستی علاوه بر ایران در برخی کشورهای عرب و آفریقای، به یک مسئله‌ی حاد سیاسی تبدیل شده، و خیمینی هم با اتکا به همین نگرش، جنگ ارتجاعی‌اش را ادامه می‌دهد و اینجا و آنجا دست به عملیات تروریستی می‌زند، که واقعه‌ی اخیر که هم در راستای همین نگرش و همین سیاست‌ها رخ داده. نظر شما در مورد جنبش‌های اسلامی و اصولاً بان اسلام چیست؟

ما موستا: به نظر من کسانی هستند که از اسلام دفاع می‌کنند، بخاطر اسلام کار می‌کنند و واقعه‌ی این مسئله اعتقاد دارند، و این ربطی هم به بودن یا نبودن خیمینی ندارد، من آنها را نمی‌بینم. نمی‌گویم موفق می‌شوند و نمی‌گویم در تشکیل یک حکومت مذهبی یا آنها موافقم، این مسئله دیگری است. و چون عمیقاً به اهداف خود ایمان دارند و برایش کار می‌کنند و تحت تأثیر هیچ جریان‌ی نیستند، برای آنها ارزش قائم. ولی جریان‌هایی که فعلاً در سطح خاور میانه وجود دارند بنظر من تحت تأثیر جنبش اسلامی و صد و انقلاب اسلامی خیمینی - مستقیم یا غیر مستقیم قرار گرفته‌اند - به این صورت که جمهوری اسلامی، در حالت می‌کند، آنها را آلت دست قرار می‌دهد، به آنها کمک می‌کند و آنها هم تحت تأثیر جوهری که جمهوری اسلامی بی‌وجود آورد قرار می‌گیرند. من بعضی از آنها را فریب خورد می‌دانم و بعضی را با خیمینی در جنایت سهمیم، و معتقد نیستم که پیروز خواهند شد. مانند حزب‌اللهی‌ها لبنان که دست به هر جنایتی به نفع خیمینی می‌زنند و ایدیه‌فکر اسلام و کشور جنگ‌زده‌ی لبنان نیستند و بخاطر خیمینی به ترور و گروگان‌گیری و تهدید کشورهای دیگر دست می‌زنند.

و اما در مورد مسئله‌ی مکه، جمهوری اسلامی به هر نیرنگی می‌خواهد در خاور میانه، مخصوصاً کشورهای اسلامی، در حالت کند. یکی از این نیرنگ‌ها و شیوه‌ها مسئله‌ی حج است. که هر سال مراسم حج را بهانه می‌کند برای تظاهرات، برای تبلیغ، برای مطرح کردن خودش در بین حدود دو میلیون جمعیتی که از اقطار اسلام می‌روند و جمع می‌شوند و در آن حالتی که خیلی زمینه‌ی احساسات مذهبی گسترده است. و مخصوصاً سال، بر تاه‌ی جمهوری اسلامی خیلی گسترده و آگاهانه‌ی ریبری شده بود. این تظاهرات را راه می‌اندازند تا به این وسیله برونده‌ها داخل مسجد الحرام، در و رکعبه، و آن بقیه در صفحه ۱۴

آنکارا - ترکیه :

خودسوزی پناهنده ایرانی

اواشل دسامبریک پناهنده ایرانی که از طریق عراق به ترکیه رفته و خود را به UN آنکارا معرفی کرده بود، در اعتراض به عدم رسیدگی سریع به وضعیت خود در جلوی UN به آتش کشید. ولی یکی از ساکنین محل روی او پتو انداخته و او را از خطر مرگ حتمی نجات میدهد. مقامات رسمی ترکیه اعلام میکنند این واقعه صحنه سازی بود. شخص مذکور از قبل با خود پتو آورده بوده است. اما شخصی که باعث نجات فرد پناهنده ایرانی از مرگ شده و خود اهل ترکیه است، به این اظهارات مقامات رسمی اعتراضی کرد، و اعلام نمود که آماده است که شهادت دهد، پناهنده ایرانی قصد صحنه سازی نداشته و اگر اقدام فوری خودش (فرد تبعه ترکیه) نبود، پناهنده مذکور در شعله های آتش جان خود را از دست می داد.

کاهش شدید تعداد متقاضیان پناهندگی

بن - آلمان فدرال: در سال گذشته ۵۷۳۷۹ متقاضی پناهندگی به آلمان غربی آمده اند. این رقم نشان می دهد که تعداد پناهندگان به نسبت سال ۱۹۸۶ به میزان ۴۰۰۰۰ نفر کاهش یافته است. "سیمرن" وزیر داخله آلمان در یوز (۷ ژانویه) درین اعلام کرد که این کاهش نتیجه اقدام پیروز - مندانه دولت آلمان غربی است که طوفان فزاینده پناهندگان را از طریق آلمان شرقی متوقف کرده است. وی افزود که به این پیروزی اکتفا نکرده و به طرق مختلف فشار پناهندگان را بر روی دولت کاهش خواهیم داد. با بررسی مقررات حقوق خارجیان معلوم خواهد گردید که در چه چهارچوبی، اخراج پناهندگان که تقاضای پناهندگی آنها رد شده است، بصورت شدیدی تر، به مرحله عمل در خواهد آمد.

اعتصاب غذا در کوئسفلد (آلمان فدرال)

روز پنجشنبه ۱۴ ژانویه پناهندگان ساکن کوئسفلد، دولمن ورا صدراف در اعتراض به اخراج پناهندگان ایرانی و ترک از فرانسه، دست به اعتصاب غذای تازند.

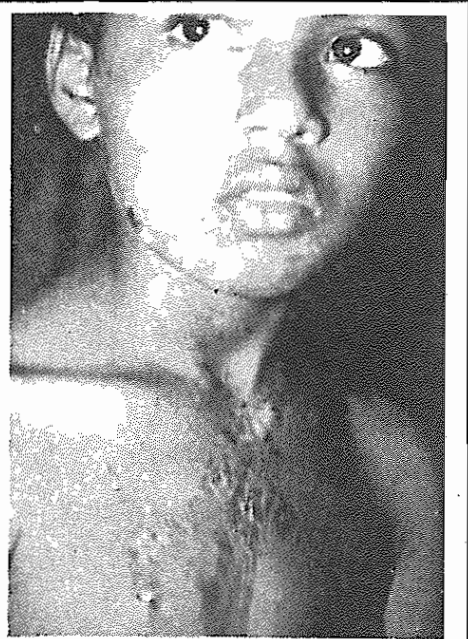
این اعتصاب غذا که با شرکت ۱۵ پناهنده از ساعت هشت صبح در دفتر حزب سبزها کوئسفلد شروع شده بود، در ساعت ۵ بعد از ظهر پس از اطلاع از اعلام دولت فرانسه مبنی بر باریا زگردانیدن تعدادی از پناهندگان اخراجی، با صدور قطعنامه ای پایان یافت.

این اعتصاب مورد حمایت نیروهای مترقی آلمانی ساکن شهر کوئسفلد قرار گرفت.

تحصن یک خانواده ایرانی در نما پندگی سا زمان ملل در کراچی

یک خانواده ایرانی در اعتراض به قطع کارت خود از سوی مقامات UN کراچی صبح روز چهارشنبه ۲۶ نوامبر ۱۹۸۷ در داخل محوطه UN دست به تحصن زدند. پس از مدتی مسئولین UN کراچی با استفاده از زلیس میخواستند آنها را از محوطه بیرون اندازند که با مقاومت این خانواده هر و رو شد. در همین حال پناهندگان حاضر در محل در اعتراض به عملکردهای ضد انسانی مسئولین UN کراچی به حمایت از خانواده برخاستند. مسئولین UN که اوضاع را بر علیه خود دیدند در مقابل اتحاد پناهندگان عقب نشینی کردند و مجبور شدند با خانواده مذاکره کنند. لازم به تذکر است که یکی از پناهندگانی که در اعتراض به این وضعیت با یکی از افسران مصاحبه کننده گفتگو میکرد، از او پرسید: بالاخره این روند تا کی پیش می رود؟ افسر مربوطه در جواب گفت: "متأسفیم که به اطلاعاتتان برسانیم، اوضاع از این بدتر میشود!"

نقل از "پیام شورا" شماره ۵ ارگان شورای پناهندگان و... کراچی



وین - اطریش :

تلکس اعتراضی به رئیس جمهور و نخست وزیر فرانسه بخاطر اخراج ۱۷ پناهنده

" کمیته برای افشای جنایات رژیم جمهوری " در وین در تاریخ ۱۶/۱۲/۸۷ توسط تلکس اعتراضیه ای به رئیس جمهور فرانسه فرانسوا میتران و نخست وزیر فرانسه ژاک شیراک در اعتراض به عمل ناشایست اخراج ۱۷ پناهنده ایرانی و ترک ارسال کرد. در این تلکس بعد از برشمردن پایمال شدن انواع آزاد بیها و حقوق بشر و جنایات جمهوری اسلامی علیه مردم و ادامه جنگ در ایران و افشای معامله گری رژیم فرانسه با جمهوری اسلامی بر سر ترور زهست" وحید گرجی" و علیه پناهندگان ایرانی به نایب هگرتسه شدن مواد ۳، ۵، ۹، ۱۵ و بسیاری از مواد و میثاقهای بین المللی و حقوق بشر بوسیله این اقدام دولت فرانسه، اعتراض کرده و خواسته های زیر را مطرح کرده است:

- ۱- عمل اخراج چهارده ایرانی و سه ترک پناهنده محکوم گردد.
- ۲- این اخراجیین هر چه سریعتر به فرانسه بازگردانیده شوند.
- ۳- آزادانه چنین اقداماتی جلوگیری بعمل آید.
- ۴- امنیت مهاجرین و پناهندگان در فرانسه تضمین گردد.
- ۵- حقوق انسانی او ولیه پناهندگان و مهاجرین رعایت شود، پذیرش پناهندگی و رسیدگی به وضعیت پناهندگان و مهاجرین ایرانی بطور جدی و بر طبق موازین حقوق بشر و میثاق های بین المللی دنبال گردد.

لندن - انگلستان:

اخراج دو پناهنده عراقی

اخیراً دولت انگلستان دو نفر عراقی را که تقاضای پناهندگی از آن کشور کرده بودند، بطور غیر مترقبه و بدون اینکه وکیل آنها را در جریان امر بگذارد، اخراج کرد. روال کار معمولاً این بود که به افراد متقاضی پناهندگی اجازه داده میشد که تقاضای خود را در دادگاه بررسی شده و چنانچه دلایل قابل قبول برای پناهندگی نداشته باشد اخراج گردند. ولی در این مورد روندی رعایت نشده و بدون مشورت وکیل انگلیسی دو نفر عراقی، آنها را به یوکسلاوی باز پس فرستادند.

کودکان در تمام دنیا شکنجه میشوند

برن - سوئیس: کودکان در تمام دنیا قربانیان تعقیبهای سیاسی هستند. بنا به گزارش بخش سوئیس کمیته به زندانیان سازمان امنستی، "غوبین الملل"، کودکان در برابر حبس، شکنجه و قتل هیچگونه امنیتی ندارند.

شکنجه کودکان برای کسب اطلاعات بکار میرود. با این کار والدین یا آشنایان آنها به حرف زدن وادار می شوند. در بیشتر موارد والدین مجبور می شوند که شکنجه شدن کودکان خود را تماشا کنند. امنستی بعنوان مثال در این مورد از ۸ کشور نام می برد. از جمله: آفریقای جنوبی، اوگاندا، شیلی، پرو، کلمبیا، ایران، عراق، آرژانتین، فیلیپین، اسرائیل و آمریکا.

فلسطین



● جنبش توده‌ای فلسطینیها در نوار غزه و ساحل غربی رود اردن و شهر اورشلیم و با گذاشتن به‌دومین ماه خود از شدت و قوت بیشتری برخوردار شده است. اعتماد و نظرات خیابانی و درگیری با نیروهای سرکوبگر اسرائیلی بحورت ام‌سری روزمره و فزاینده در آمده است. حکومت اسرائیل که به‌کشتار و دستگیری مبارزین می‌پردازد، نغز از فعالین دستگیر شده را محکوم به اخراج از ساحل غربی نمود. کشورهای همسایه برای جلوگیری از اجرای حکم، حاضریه پذیرش اخراج شدگان نشدند. شورای امنیت سازمان ملل در جلسه ویژه خود با توافق آراء، این عمل اسرائیل را محکوم کرد. آمریکا نیز مجبور به‌رای دادن علیه اسرائیل شده است! گسترش جنبش توده‌ای و عواقب ناشی از آن جناح‌های مختلف امپریالیستی را به‌تکاپو داشته است تا با اعمال مانورهای مناسب مانع از گسترش خطرناک جنبش شوند. تنها جناح "لیکود" دولت ائتلافی اسرائیل خواهان مقابله کامل و همه‌جانبه مردم‌غزه و ساحل غربی است. "ابابان" وزیر خارجه سابق و رئیس کمیسیون روابط خارجی مجلس اسرائیل (عضو حزب کارگر) از لزوم مذاکره و سازش با سازمان آزادیبخش فلسطین صحبت می‌کند و شواخات در جناح "لیکود" نیز آغاز می‌شود. یکی از رهبران این جناح در مجلس اسرائیل مخالفت با شیوه کنونی اداره غزه و ساحل غربی

وجود نداشته‌اند!

علیرغم سرکوب جنبش توده‌ای فلسطینیها، که بنا به گزارش هیئت ویژه سازمان ملل حدود سرزای نمی‌شمارد، مقاومت گسترش یافته و هر روز با تعداد تازه‌ای می‌یابد.

را عنوان نمود. ائتلاف دول امپریالیست اسرائیل بر سر این مسئله با لاکرته است. "دیوید میلور" وزیر دولت انگلیس در بازدید از اردوگاههای غزه، وضعیت آنها و رفتار اسرائیل را "کهننگی بر چهره تمدن" نامید. گوشه قبلاچین اردوگاهها شای

آرژانتین:
شورش نظامیان

● نظامیان یک پادگان در شمال آرژانتین به طرفداری از کتلن "ریکو" که در آوریل ۸۷ برای جلوگیری از محاکمه نظامیان دوره حکومت نظامی شورش کرده و در پادگان زده شد، شورش کردند. خود این کتلن نیز از پادگان جدا شد و گریخته و به طرفدارانش پیوسته است. رئیس جمهور "آلفونسین" اینبار ردیگر از طرفدارانش تقاضای حرکت و اعتراض ننموده و از ارتش که به ادعای رهبران "وفا دار" است خواست تا با شورشیان مقابله کند. روز ۱۸ ژانویه سرهنگ ریکو پادگان شورش تسلیم نیروهای وفادار دولت شدند. شورش نظامیان یکبار دیگر روزنه ارتش در ساخت دولتی حکومتی امریکای لاتین بعنوان اهرم اصلی سرکوب و فاشا بر دمکراسی را آشکارا نمود.

قیمت "دموکراسی"

● بر طبق اطلاعاتی که پس از انتخابات اخیر در کره منتشر شده است، حزب حاکم ژنرالها برای خرید آرژانتین در مناطق روستایی مبلغ ۲/۸ بلیون دلار خرج کرده و بر طبق همین اطلاعات بهای هر رای خریداری شده معادل ۲۷۰ دلار بوده است. ما محاسبه تعداد آراء را به خوانندگان واگذار می‌کنیم!

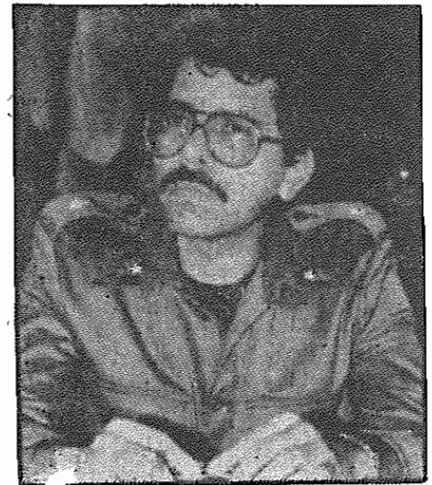
رقم ناچیزی را تشکیل می‌دهد. اعتماد بیون در این مدت حمایت و پشتیبانی مردم و نیروهای مترقی را جلب کرده‌اند.

همچنین بعد از انتخابات ترکیه که در آن "حزب ما موطن" با ۳۶ درصد رای به قدرت رسیدن خاصی انتخاباتی صاحب اکثریت مطلق در مجلس شده است، و نارضایتی نسبت به این حزب و آنچه تا زده می‌گیرد. با شدت یافتن بحران اقتصادی دولت ایزال بلافاصله بعد از انتخابات بسرای افزایش در آمد ملیاتی، نرخ تمامی کالاهای اساسی را افزایش داد. نان ۳۰ درصد، سیگار ۱۲ درصد، قند و شکر ۴۰ درصد تلفن ۵۰ درصد و کرایه اتوبوس ۳۳ درصد و تاکسی حدود ۸۰ درصد. این افزایش رجاتنگاه‌ها بر زندگی و معیشت زحمتکشان و کارگران ترکیه وارد کرده است. و تنها از این میان سرمایه‌بزرگ که حزب "ما موطن" نماینده آن است سود می‌برد. رقبای دولت تبلیغات وسیعی بر سر این موضوع انجام می‌دهند. از میان رقبای دولت که در انتخابات شرکت داشتند حزب سوسیال دمکرات با ۲۶ درصد آرا قوی‌ترین آنهاست که در چهار شهر بزرگ آنکارا، استانبول از میروآنا اکثریت را بدست آورد. در این انتخابات حزب مذهبیون طرفدار فقها (به رهبری اربکان) حدود ۷ درصد آرا آورد و به همین دلیل به پارلمان راه نیافت.

ترکیه

● بعد از انتخابات ترکیه، جنبش دمکراتیک و کارگری نه تنها فروکش نگردیده که روند گسترش یابنده دارد. در عرصه مبرید عوت کانون حقوق بشر ترکیه و تشکل‌های زنده‌انیا سیاسی دومیتینگ گسترده در شهر استانبول برگزار شد. تظاهرات کنندگان با شعارهای "زشتکجه‌گران حسابرسی می‌کنیم"، "زندانیان با یخالی شوند" و "مرگ برقا شیم" و آتش زدن ماکت یک زندان، علیه دولت به اعتراض برخاستند. در "اینجرلیک" بدنبال اخراج ۵۰ تن از کارگران ترک شاغل در پیکه نظامی امریکا در آن محل، تظاهرات ضد امریکائی وسیعی انجام گرفت. تظاهرات کنندگان با شعارهای "ترکیه تکزاس نیست" و "امریکائی به خانه‌ها برگرد" خشم فدا امپریالیستی خود را ابراز کردند. کارکنان "میگرو"، فرستگاههای بزرگ زنجیره‌ای ترکیه، به اعتماد خود بعد از ۱۲ روز ادامه می‌دهند. این اعتماد توسط سندیکی "تزد کوپایش" هدایت و سازماندهی می‌شود. کارکنان اعتماد بی خواهان افزایش حقوق و بهبود شرایط کار میباشند که بنا به اظهار رهبران سندیکا چیزی معادل ۱ میلیارد لیره میشود که در برابر فروش ماهیانه ۱۲ میلیارد لیره‌ای این فروشگاه

نیکا را گوا



● دا نیل اورنگا رئیس جمهور نیکا را گوئه بعد از ملاقات سران کشورهای آمریکا مرکزی در ۱۶ ژانویه، اعلام کرد حاضر است با شورشیان کنتررا مستقیماً مذاکره کند و همچنین حالت اضطراری را در کشور لغو نماید. پیشنها مذکور مستقیم بلافاصله از جانب کنتررا مورد قبول قرار گرفت. هیئت بین المللی نظارت بر صلح آمریکا مرکزی اعلام کرد که صلح در نیکا را گوئه تنها زمانی امکان پذیر است که آمریکا کمک‌هایش را به کنتررا قطع نماید. در روز ۱۹ ژانویه دولت نیکا را گوئه قانون وضع اضطراری در کشور را لغو کرد.

ادامه از صفحه ۱۱

مصاحبه ...

پیام خمینی را به جهان اعلام کنند، یعنی انقلاب اسلامی و حکومت اسلامی را. و با اینکه گویا چهل هزار یادگار او عامل خودش را فرستاد و اینطور برنا هریری شد که پیرمرد آن زنان را جلو بگذارد که کسی نتواند به آنها حمله کند و اگر حمله‌ای بشود و آنها کشته شوند از این یک پیراهن عثمان درست کنند، با زخم نتوانست موفق شود. هیچ شکستی نیست که عربستان سعودی، یکی از کشورهای ستمگرو ارتجاعی منطقه است ولی این بسته به ملت عربستان است که با حکومت عربستان به چه صورتی مبارزه کند. نه اینکه خمینی که با راهب‌ها از حکومت عربستان بدتر است و نه تنها برای ملت ایران، که اساساً برای تمام منطقه فاجعه و آشوب به پا کرد و به بهانه‌ی صد و انقلاب و نجات ملل اسلامی از دست حکومت‌هایشان، به هر جانی دست می‌زند. لذا شکست توطئه‌ی خمینی در مکه مکرمه، به نفع مردم خاورمیانه و نیروهای انقلابی، تمام شد. و روابط ایران با آمریکا و اسرائیل، مزورانه بودن دفاع خمینی از اسلام و ملت‌های منطقه را افشا کرد.

سؤال: ما موستان! به عنوان آخرین سؤال، ما یلیم توضیح دهید که متحدین بین المللی خلیف کرد را چه نیروهایی می‌دانید؟
ما موستان: در عصره بین المللی، دفاع از منافع ملت‌های تحت ستم کمتر در نظر گرفته می‌شود. همیشه به فکر این هستند که کدام مسئله، منافعشان را تأمین می‌کند و از زاویه مصالح خویش به مبارزات ملت‌های می‌نگرند و از آن پشتیبانی می‌کنند یا آن را

یونیسیف

● یونیسیف که سازمان مخصوص به تأمین سلامت و تغذیه و آموزش کودکان و وابسته به سازمان ملل متحد است گزارش خود را منتشر نمود. در این گزارش آمده است که عامل مرگ و میر کودکان در کشورهای رشد نیافته که ما کان اسپال، عفونت‌های ساده و بیماری‌های واگیردار است که تمام آنها قابل پیشگیری و درمان هستند. گزارش تأکید میکند که امکان نجات ۲/۸ میلیون کودک کانی که از اسپال و سه میلیون کودک کانی که از سرخک و کزاز و سیاه‌سرفه و ۲ میلیونی که از عفونت‌های تنفسی در سال گذشته تلف شدند وجود داشت اما به علت بکار نرفتن ساده‌ترین امکانات، آموزش پائین‌اقدامی در این مورد صورت نگرفت. گزارش یونیسیف به مشکل مالی این سازمان که نمیتواند برنا به‌های خود را در مورد کودکان معالک فقیر، که به همین دلیل تلف میشوند، با جراد آورد اشاره کرد و بر عدم توجه و مسئولیت کشورهای ثروتمند که باید بودجه این سازمان را بر اساس نسبت ثروت ملی کشورهای تأمین کنند، تأکید می‌کند. از جمله به آمریکا اشاره کرد و اظهار امیدوار کرد که این کشور فقط ۱۶ درصد از سهمیه مربوط به دولت‌های پردازنده بسیار کمتر از نسبت ثروت ملی آنست.

آلمان فدرال

● بدنبال فاش شدن رسوایی مربوط به انبار کردن غیرقانونی زباله اتمی توسط یک شرکت آلمانی در این کشور، اکنون روشن شده که شرکت فوق اقدام به فروش غیرقانونی سوخت اتمی به پاکستان، لیبی و سودان نیز کرده است.

دلار "فلیج"

● این لقبی است که دربار زارپولی فرا نکفورت به دلار داده اند. بعد از سقوط فزاینده ارزش دلار که آنرا به پائین ترین حد خود بعد از جنگ جهانی رساند، تمهیدات وسیعی از جانب بانکهای مرکزی کشورهای پیشرفته صنعتی، گروه هفت گانه آمریکایی اتخاذ کردند. بانک مرکزی ژاپن در هفته اول ژانویه یک میلیارد دلار زارپولی خرید کرد و بدنبال آن بانک آلمان و سوئیس نیز اقدام به خرید کردند تا نرخ برابری دلار را افزایش دهند. این اقدامات با افزایش تجارت آمریکا در ماه میلادی میزبان کسری را کمتر از حد پیش بینی نشان میداد (کسری حدود ۱۳۵ میلیارد دلار بود) باعث افزایش مختصر نرخ دلار گردید. اما بنا به نظر همه کارشناسان این وضع حداکثر تا پایان فوریه ادامه داده شده و بعد از آن مجدداً دلار با زارپول سقوط خود را از سر خواهد گرفت.

هائیتی

● روز ۱۷ ژانویه انتخابات عمومی که در ماه نوامبر به تعویق افتاده بود، برگزار گردید. این انتخابات که توسط نیروهای مخالف نظامیان حاکم تحریم شده بود با کمترین استقبال ممکن از جانب رای دهندگان و تحریم همراه بود. روز قبلاً از انتخابات ویدعوت مخالفین، اعتماد عمومی صورت گرفت که کشور را بحالت فلج کامل درآورد.

ملی و مذهبی آنها می‌برد از، گوش دنیا را با تمام وسایل ارتباط جمعی اش از این حرف‌ها پر کرده. ولی خودش یک ملت ۱۲ میلیونی کرد را که در سرزمین آبا و اجدادی خویش هستند سرکوب و قتل عام می‌کند، آنها را از حق تکلمه زبان مادری و انجام شعائر ملی محروم کرده و اساساً وجود ملتی بنام کرد را انکار می‌کند. و در مورد اقدامات بعضی از نیروهای سیاسی که به خاطر حقوق ملی خویش مبارزه می‌کنند و گاه مرتکب قتل خانواده‌های هائی که بیشتر مزدوران دولت هستند، می‌شوند (شکی نیست که اینگونه اعمال مورد تأیید قرار نمی‌گیرد) شکوایت بلند شده و بی‌توان آن رایک جنایت وحشیانه و قساوت قلمداد می‌کند و از آن به عنوان یک دستاویز تبلیغی علیه این نیروها استفاده می‌کند. قضاوت درباره‌ی این مسئله را باید به پیشگاه ملت ارضی محول نمود که به وجه فحشیمی قتل عام شده، و تا ابد این جنایت لکه‌ی ننگی است بر دامن رژیم ترکیه. آیا این همان سنتی نیست که دولت ترکیه خود بنیان گذاران آن بوده است؟ بدیهی است که تاوان آن به عهدی شورونیست‌های ترکیه است. آیا خون همه‌ی ملت‌ها رنگین نیست؟ و آیا همه‌ی ملت‌ها حق ندارند در سرزمین خویش سرنوشت خویش را در دست بگیرند و در میهن‌شان آزادانه زندگی کنند؟ و آیا نباید زحمتکشان و ستم‌دیدگان از دسترنج خود بهره‌مند شوند؟

پایان

به هیئت تحریریه نشریه
"پیام کارگر"

ما و خوانندگان



بدون تفسیر

* کیهان ۲۱/۹/۶۶ ص ۲: دادستان کل کشور، موسوی خوئینی ها:
"خواست های حقوق بشر غیر منطقی است."
* کیهان ۲۸/۹/۶۶ ص ۱۸: آیت الله مهدی گیلانی در سخنرانی قبل از خطبه های نماز جمعه تهران:
"... مائوسی سران مرد می می زنیم که بخواهند با قانون، دولت و شرع مخالفت کنند..."
* کیهان هوایی ۱۸/۹/۶۶ ص ۱۷: در پاسخ به سا زمان عقوبت بین الملل:
"... در جمهوری اسلامی ایران هیچکس صرفا بخاطر اعتقادی که دارد، بازداشت و زندانی نمی شود..."
* رسالت ۲۲/۹/۶۶ ص ۱۱: آیت الله آذری قمی:
"... راهد یگراثبات توسعه اختیارات امام مسلمین و ولی فقیه وجو تصرف در نفوس و اموال خصوصی و عمومی مردم برای او مسئله حاکمیت الهی است که به او اعطاشده است. حاکمیت خدا و رسول و امام یعنی قاطعیت و ولایت اراده آنها بر جان و مال مردم و نفوذ اراده آنها در جان و مال مسلمین بلکه همه جهانیان است... (سوره احزاب آیه ۶) انفس مومنین و الطبع اموال آنان در اختیار بیخبر است... اگر بگوید لازم است با این دختر ازدواج کرد یا این زن را طلاق بدهد، این ازدواج و طلاق لازم و واجب است."

پاید ار" بمتابه مضمون ازدواج میتواند بدون عقد رسمی مجاز شود - هر چند که این امر منعی - تواند اکنون بلحاظ سطح تکامل اجتماعی - تاریخی و ارزشهای فرهنگی جامعه ما پذیرش عام داشته باشد - بلکه بحث بر سر آن است که اکنون عدّه ای از زنان و مردان اقامت گزیده در غرب قصد آن دارند که "بی تعهد با تهرودن" راجا بگیرند - ازدواج سنتی! قرار دهند و آن را بعنوان "مسائل فکری مربوط به جنبش زنان" و "ابعاد گوناگون زندگی و مشکلات زنان ایران" جایزنند.
اگر "پیام کارگر" صرفا به درج گزارش اکتفا مینمود، شاید میشد آن را به حساب بی دقتی و عدم توجه جدی آنها نسبت به مسئولیتی که در قبال نحوه برخورد با گزارشات خبری باید داشته باشند، گذاشت. اما زمانیکه "پیام کارگر" بر این گزارش توضیح جانبدارانه می نویسد و بر گزارکنندگان سمینار تقاضا می کند که "دستاوردهایشان" را در اختیار نشریه قرار دهند و برای "وضعیت وحشتناک زنان زحمتکش" را بمیان می کشد آنگاه دیگر به جز لغزش لیبرالی در اندیشه و عمل هیئت تحریریه، نام دیگری بر آن نمیتوان گذاشت. و چنین سمینارهایی ویرخورد جانبدارانه از آن سبب خواهد شد که مسائل واقعی جنبش زنان در ایران و بویژه "وضعیت وحشتناک زنان زحمتکش ایران" در سایه مباحث انحرافی قرار گیرند.
"ن"
۲۶ آذر ۶۶

رفقا!

دشماره ۹ نشریه "پیام کارگر" گزارش سمینار شکل مستقل دمکراتیک زنان اروپا و در ادامه آن "توضیح پیام کارگر" درج شده است. بعنوان یک خواننده نشریه شما، بدین وسیله ابراز تأسف خود را از لغزش لیبرالی آن نشریه اعلام می دارم.
برخلاف آنچه که در "توضیح پیام کارگر" آمده است که: "بی شک سمینارهایی از این دست که برای شناساندن موقعیت زنان کشور ما و روشن کردن مسائل فکری مربوط به جنبش زنان انجام می گیرد اقدامات با ارزشی هستند که باید پیگیرانه دنبال شوند" و اینکه "هنوز ابعاد گوناگون زندگی و مشکلات زنان ایران، بویژه وضعیت وحشتناک زنان زحمتکش ایران ناشناخته مانده است" مضمون و محتوی مباحث سمینار چاکای از آن است که این بحث ها در شرایط کنونی نه تنها هیچگونه ربط واقعی با شناساندن موقعیت زنان کشور ما و بویژه وضعیت وحشتناک زنان زحمتکش ایران ندارد، بلکه تجسم آشکار تمایلات لیبرالیسم آن عدّه از زنان "روشنفکر" ایرانی در غرب است که شیپور را از دهانه گشاد آن مینوازند.

بی علت نیست که برای این سمینار مسائلی همچون بقول شما "Sexualität" و "Zusammenleben" و "اجتماعی شدن و وظایف خانواده در چشم اندازهای آینده و ارزیابی رفتن مضمون وجودی آن" در محور اصلی مباحث قرار میگیرد. و طبیعی است که "اکثریت قریب به اتفاق شرکت کنندگان در سمینار مخالفت خود را با شکل ازدواج سنتی در ایران اعلام نمایند. بحث بر سر آن نیست که "تعهد و وفاداری

توضیح هیئت تحریریه

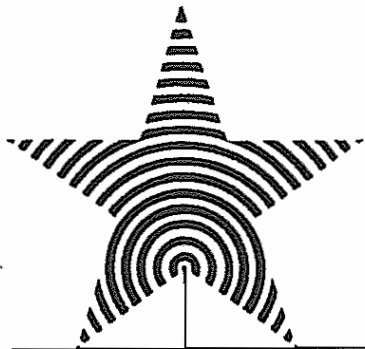
ما برخلاف برداشت خواننده عزیز رفیق - ن - از گزارش سمینار زنان در هانوفر، معتقد نیستیم که این سمینار به مسائل بیگانه با مشکلات زنان ایران پرداخته و "تجسم آشکار تمایلات لیبرالیسم عدّه ای از زنان روشنفکر" ایرانی در غرب است. برررسی موضوعاتی چون رابطه جنسی در دیدگاه مذہب، مسئله ازدواج، طلاق و نظام خانواده در ایران، و همینطور تحولات آینده خانواده و اجتماعی شدن وظایف آنها، جمعه مسائل مهم زنان و جنبش آنها است. این اشتباه است اگر بی عدالتی و تبعیض حقوقی و اجتماعی زنان را محصور به حوزه تولید بد انیم، علاوه بر این، باید در نظر داشته باشیم که همواره برای اقشاری از زنان بخصوص زنان پیشرو مسائل فکری در رابطه با جنبش زنان و مسائل تئوریک مربوط به آن مطرح می باشد که ممکن است مستقیما با معضلات زنان زحمتکش رابطه ای نداشته باشد، ولی آگاهی از آنها و داشتن پاسخ علمی برای آن ضرورت هدایت آگاهانه جنبش است.

همه ما به یاد داریم که در نتیجه ازدواج مسعود رجوی با همسر مهدی ابریشچی، چه بحث هایی در رابطه با این حرکت در آمدند و چه انزجاری بخصوص در میان زنان روشنفکر و پیشرو نسبت به دیدگاه سنتی و مذہب نسبت به زن برانگیخته شد. از این قبیل مسائل در جامعه کنونی ایران که یک دولت مذہبی در آن حکومت می کند، دافعا در میان زنان و بخصوص زنان پیشرو محرکی برای بررسی



و تحقیق روی علل و عوامل آن ایجاد می کند. ممکن است به نظر متناقض آید ولی همانطور که رژیم اسلامی مساعدترین زمینه و محرک را برای بحث در رنجبار آزادی ها، مفهوم آزادی بی قید و شرط سیاسی ایجاد نمود. در مورد مسائل زن نیز، همین رژیم مباحث برانگیخته شدن بحث های بسیاری در عرصه های مختلف اجتماعی و فرهنگی شده است.
با وجود این ما توجه زنان پیشرو و روشنفکرا نسبت به مسائل زنان زحمتکش معطوف کردیم. اما واقعیت اینست که مسائل تنها به اینجا ختم نمی شود و باید سطوح مختلف مسائل زنان را شناخت و به همه آنها توجه نمود. و این ابد ایسک

گرایش یا لغزش لیبرالی نیست. در رابطه با مخالفت با شکل ازدواج سنتی و اجتماعی شدن وظایف خانواده در آینده هیچ نکته منفی وجود ندارد. و این از راه های اساسی و قدیمی مارکسیست - لنینیست ها زمان نیست تا امروز است. اما اگر این منفی چنانکه شما برداشت کردید به معنای دفاع از شکل جدیدی از ازدواج مثل Zusammenleben می بود، طبیعا مانع از شما هم عقیده بودیم ولی یک چنین برداشتی حد اقل از این گزارش به ذهن متبادر نمی شود. و چه بسا در این سمینار نیز این ایده ها خواهانی داشته است.



صدای کارگر

راه پوی سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر

صدای کارگر

راه پوی

سازمان کارگران انقلابی ایران راه کارگر

★ صدای کارگر هر شب از

ساعت ۹ روی موج کوتاه ردیف

۷۵ متر برابری ۴ مگا هرتز

پخش می گردد.

★ برنامۀ هر شب، ساعت

۶ و ۳ دقیقه صبح روز بعد تکرار

می گردد.

★ جمعه ها برنامۀ ویژه پخش

می شود.

★ ساعت و طول موج صدای

کارگر را به خاطر بسپارید؛

ساعات پخش و طول موج صدای

کارگر را به هر وسیله ممکن به

اطلاع کارگران و زحماتشان

برسانید و آنان را به شنیدن

صدای کارگر دعوت نمائید!

آدرس پیام کارگر

POSTFACH
650226
1-BERLIN 65ALIZADI
B.P. 195
75564 PARIS
-CEDEX 12
FRANCE

گزارش برگزاری ۱۱ دی روز بزرگداشت شهدای سازمان

در این مراسم همچنین پیام همبستگی کمیته مرکزی سازمان رهایی بخش ترکیه و کردستان شمالی نیز تسلیم رفقای برگزارکننده شده بود قرائت گردید:

"رفقا!

بنام سازمان رهایی بخش ترکیه و کردستان شمالی به شما درود می فرستیم. ما کمونیست های ترکیه و کردستان شمالی، برای اعلام همبستگی با کمونیست های ایران و سازمان شما در این مراسم شرکت کردیم. زیرا ما کمونیست هانیک میدانیم که جنبش کمونیستی جهانی و بین المللی است.

مبارزه کمونیست های انقلابی ایران، پیوند تنگاتنگی با مبارزه کمونیست های ترکیه در راه استقلال، سوسیالیسم و دموکراسی دارد. شهدای کمونیست در چهار گوشه جهان شهیدای ما کمونیست های ترکیه نیز هستند.

در مبارزه تان در راه آزادی و سوسیالیسم برای شما از مصیبت قلب پیروزی آرزوی کنیم.

زند هباد انترناسیونالیسم پرولتری!
زند هباد مبارزه خلق های ایران در راه استقلال، آزادی و سوسیالیسم!
زند هباد طبقه کارگر ایران!"

در انتهای مراسم نیز طبق سنت همیشگی کمونیست ها، سرود انترناسیونال به طور دسته جمعی اجرا گردید.

بناسبت ۱۱ دی، روز بزرگداشت شهدای سازمان، مراسمی از سوی اعضا و هواداران کلن و بن سازمان ما، در تاریخ ۸ ژانویه در کلن برگزار گردید.

در این مراسم، ابتدا آهنگی به مناسبت همین روز بوسیله یکی از رفقای ما قرائت شد، که قسمتی از آن چنین بود:

"... یاد همگی آنها گرامی باد! یاد آنها گرامی باد که به پاس زیبایی و زندگی و آزادی، در حالیکه زیر بار زخمه میگردند که نمیخواهیم، نمیخواهیم، نمیخواهیم که بپیریم، شاد دلانه و سبکبار بانگاهی که همه ترنم و سرود بود، افق سرخ فردا در حال، با خون پاک خود رقم زدند..."

درود بر آنان که رضاندادند، آله آفتاب، قلبهای عاشقی که رضاندادند، آله به هندل و داد..."

سپس به احترام این شهید ایک دقیقه سکوت اعلام شد.

قسمتهای بعدی برنامه، شامل تک خوانی، سرود، پانتهویم، فیلم و سخنرانی رفیق حسام حسام بود.

رفیق حسام در سخنرانی خود ضمن مرز بندی با فرقه گرابی و گروه پرستی، به این مطلب اشاره نمود که ما نه فقط برای بزرگداشت شهیدای سازمانمان، بلکه به احترام تمامی آنان که برای آزادی و سوسیالیسم جان فدا نمودند، گرد آمده ایم...

سوگند است که علم: برگزاری مراسم ۱۱ دی، روز تجدید پییمان با شهدای سازمان

فروتن شوکران "با صدای گرم ما ملو پخش میشد. مراسم مقدمه ای کوتاه و خیر مقدم حاضرین و یک دقیقه سکوت به پاس احترام به خاطر همه فرزندان شهید خلق آغاز شد. سپس پیام کمیته مرکزی بمناسبت این روز قرائت گردید. پس از آن دوتن از رفقا، خاطراتی را در رابطه با رفقای شهید برای حاضران بازگو کردند. ادامه مراسم قرائت شعر "مقتول لعنت آبا د" از رفیق حسام بود و در آخر مراسم با خواندن سرود انترناسیونال خاتمه یافت.

برای بزرگداشت خاطره شهدای سازمان و بخاطر تجدید پییمان با رفقای شهید، در محل میز کتاب از طرف واحد است که مراسم برگزار گردید. این مراسم با دعوت از برخی از نمایندگان گروه های سیاسی و برخی از دوستداران راه کارگر برگزار شد.

بر روی دیوار اتاق محل مراسم علاوه بر آرام سازمان و طرحهایی در رابطه با زندانهای سیاسی و شهیدان، زندگی نامه و عکسهای برخی از رفقای شهیدمان (همه رفقای که زندگیشان ما تان در ارگان سراسری درج شده) نصب شده بود و اشعار "کاشفان

برای تماس با سازمان از خارج کشور،
با شماره تلفن ۲۱۶۹۶۱۳ - ۳۰ - ۴۹
در برلین غربی تماس بگیرید. بدلیل کنترل مکالمات تلفنی با خارج از کشور توسط رژیم اسلامی، مطلقاً تحت هیچ شرایطی از داخل کشور با این شماره تلفن تماس گرفته نشود.



با پیام کارگر همکاری کنید
و برای آن بنویسید!